



دوفصلنامه

فناوری در کشاورزی

Vol. 1, N. 1, Dec. 2017

دوره ۱، شماره ۱، آذرماه ۱۳۹۶ (قیمت ۶۰۰۰۰ ریال)

- ۱سخنی با خوانندگان
- ۲انتخاب فناوری درخور برای کشاورزی
- ۹مکانیزاسیون حلقه مفقوده کشاورزی ایران
- ۱۴کشاورزی دقیق

WWW.AGRIMECHANIZATION.COM



0 250 500
Kilometers

کاربری کشاورزی 

سخنی با خوانندگان

دوفصلنامه "فناوری در کشاورزی" (با شماره پروانه ۸۰۳۹۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۹ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) به دنبال انتشار مطالبی چند در ارتباط با طراحی، ساخت، ارزیابی و به کارگیری فناوری‌های مناسب در کشاورزی است. این مجله پیشتر با عنوان مکانیزاسیون کشاورزی از طریق وبسایت تخصصی مکانیزاسیون کشاورزی (<http://agrimechanization.com>) منتشر می‌شده است. امیدواریم مطالبی درخور در راستای بهبود وضعیت کشاورزی و تأمین امنیت غذایی در اختیار خوانندگان گرامی قرار گیرد.

در پایان از همه صاحب‌نظران دعوت بعمل می‌آید تا ما را با انتقادات، پیشنهادها و البته مقالات خود در راستای غنای هرچه بیشتر محتوای مجله یاری فرمایند.

ارتباط با ما از طریق info@agrimechanization.com امکان‌پذیر است.

محمدباقر لک

مدیرمسئول دوفصلنامه فناوری در کشاورزی

آذرماه ۱۳۹۶

انتخاب فناوری در خور برای کشاورزی

محمدباقر لک

مقدمه

کشاورزی بنیان توسعه کشورهای است که با بهره‌گیری مناسب از منابع خدادادی برای تولید و صادرات انواع محصولات غذایی و فیبری کوشیده‌اند. این در حالیست که متأسفانه، در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته این منابع به طور صحیحی مدیریت نشده‌اند و دولت‌ها بخش عمده درآمد خود را از طریق خام‌فروشی نفت و منابع معدنی تأمین می‌کنند.

کشاورزی در ایران سابقه‌ای چندین هزارساله دارد و در تمدن آریایی نیز جایگاهی ویژه داشت. بطوریکه دهقانان همپایه مغان و جنگ‌آوران بودند و از افراد سرشناس جامعه به حساب می‌آمدند. در اسلام نیز به کشاورز و کشاورزی اهمیت زیادی داده شده است.

با بررسی اجمالی پیشینه فرهنگی ایران در پیش و پس از اسلام، می‌توان پی برد که ایرانیان از بدو تاریخ علاقه خاصی به کشاورزی داشته‌اند. از سویی دیگر، کشاورزی از مشاغل پردرآمد در جوامع پیشرفته است. کشاورزان در جوامع پیشرفته قدرت و ثروت قابل ملاحظه‌ای داشته و در تصمیمات کلان دولت دخیل هستند. زیرا سهم عمده صادرات بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان از کشاورزی تأمین می‌گردد.

پس؛

کشاورزی پیشه‌ای است که باید درآمدزا باشد و باعث پیشرفت کشور نیز بشود.

حال در اینجا باید به یک نکته مهم پرداخت و آن اینکه تولید چه محصولی، با کدام فناوری، در چه زمان و مکانی؟

یک پاسخ کلی به این پرسش اینست که باید نیازهای محصول، شرایط زمین و جغرافیا، اقلیم و آب و هوای منطقه، قیمت محصول در بازار و اقتصادی بودن تولید، و شرایط فرهنگی جامعه در زمان تصمیم-گیری مد نظر قرار گیرند.

فناوری

انسان از آغاز پیدایش، نیاز خود را از گیاهان وحشی و شکار حیوانات تأمین کرده است. از هزاران سال پیش به تولید محصول و اهلی کردن حیوانات روی آورد. در آغاز عملیات تولید محصول با استفاده از دست و سپس با بکارگیری حیوانات انجام می گرفت. پس از کشف آهن نیز، بشر از آن برای ساخت ابزارهای ساده بهره برد و گاواهن های ساده دامی را ساخت. پیش از این، از خیش های چوبی استفاده می کرد که توسط دام کشیده می شد.

در طی سال ها، ابزارهای کشاورزی کم کم پیچیده تر شدند و ابزارهای پیشرفته تری ساخته شد. با آغاز انقلاب صنعتی، کشاورزی نیز متحول گشت. نخستین تراکتورها ساخته شدند. موتور این تراکتورها با نیروی بخار کار می کرد. ابعاد بزرگ، بازدهی کم و توان پایین از معایب آن بود. این تراکتورها علاوه بر راننده نیاز به تعدادی خدمه داشتند.

در طی صد سال گذشته تراکتورهایی با موتورهای بنزینی و گازوئیلی (دیزل) وارد بازار شدند. در اوایل قرن بیستم استاندارد مشخصی وجود نداشت که کشاورزان از آن پیروی کنند. بنابراین، سال ۱۹۱۹ در مجلس ایالت نبراسکا در کشور امریکا قانون آزمون تراکتور تصویب شد.

در این قانون از کارخانه ها خواستند که تراکتورهای خود را پیش از فروش به دانشگاه نبراسکا بدهند تا آزمون شود. تراکتور و ادواتی که استانداردهای این مرکز را داشته باشند، تأیید می شوند و تراکتورهای نامرغوب تأیید نمی شوند. این آزمون موجب شد که تراکتورهای نامناسب از بازار حذف شوند. به این ترتیب، مرکز آزمون تراکتور و ماشین های کشاورزی به مرور رسمیت یافت و جایگاه آن تبیین شد.

بنابراین، گواهی مرکز آزمون ماشین های کشاورزی به منزله تأیید کارایی فنی تراکتور و ادوات است. بدین معنی که ماشین کشاورزی دارای گواهینامه تأییدیه (اعم از تراکتور و ادوات) از لحاظ مواد و کارایی در شرایط آزمون و ارزیابی مورد تأیید کارشناسان خبره است.

مکانیزاسیون، روندی که با ورود تراکتور به مزرعه آغاز شد، جایگاه درخوری در کشاورزی یافت و با عرضه انواع تراکتور و ماشین‌های کشاورزی نگرشی عمیق‌تر به آن ضروری‌تر از پیش شد. اغلب تراکتورها و ماشین‌ها دارای گواهی مرکز آزمون تراکتور و ماشین‌های کشاورزی هستند. اما تراکتور و ماشین مناسب کدامست؟ آیا همه باید از یک ماشین استفاده کنند؟ آیا یک تراکتور برای همه شرایط مناسب است؟

در ادامه به این پرسش‌ها پاسخ داده خواهد شد.

رویکردهای کشاورزی قرن بیست و یکم

از اواسط قرن بیستم موضوعات دیگری نیز مطرح شد. کشاورزی پایدار، کشاورزی دقیق، کشاورزی ارگانیک، کشاورزی حفاظتی و بسیاری از این قبیل.

کشاورزی پایدار به دنبال روشهایی است که بتوان با مصرف کمترین نهاده^۱، تولید مطلوبی داشت. نتیجه این شیوه، کم کردن اثرات سوء به محیط زیست می‌باشد.

کشاورزی دقیق بدنال مدیریت موضعی نهاده‌ها می‌باشد. در این شیوه به نیازهای تک‌تک گیاهان پرداخته می‌شود و هر گیاه باید به اندازه نیاز خود نهاده دریافت کند. البته این ایده هنوز محقق نشده است.

در حال حاضر، بعلت محدودیت‌ها، این شیوه مدیریت نهاده‌ها در سطح یک گیاه اعمال نمی‌شود. اما در هر منطقه از مزرعه که گیاهان نیازهای مشابهی داشته باشند، این شیوه مدیریت اعمال می‌شود. برای انجام کشاورزی دقیق از ابزارهای الکترونیکی دقیق و سامانه‌های ماهواره‌ای (Global Positioning System (GPS استفاده می‌شود.

در ایران نیز بطور تحقیقاتی در چند منطقه از آن استفاده شده است. البته کشاورزان خبره می‌توانند مدیریت موضعی نهاده را بدون استفاده از این وسایل و به طور تجربی در سطحی بسیار کوچک انجام دهند. بدین صورت که در هر قسمت از مزرعه متناسب نیاز بذر بکارند، کود بدهند و آبیاری کنند. البته کارایی آن فناوری بیشتر از این خواهد بود.

۱ - نهاده‌ها شامل هر گونه مواد شیمیایی (اعم از سم و کود)، بذر، آب، و انرژی است که برای تولید محصول به زمین داده می‌شود.

کشاورزی ارگانیک (کشاورزی زیستی، طبیعی یا آلی)، نوعی کشاورزی است که از کودهای شیمیایی، سموم، هورمون‌ها و تغییرات ژنتیکی استفاده نمی‌کند. در این شیوه، از نهاده‌های طبیعی همچون کود زیستی، کمپوست‌ها و حشرات سودمند استفاده می‌شود. این شیوه، حامی سلامت انسان و محیط زیست است.

فرآورده‌های کشاورزی ارگانیک با نام محصولات ارگانیک در بازار کشورهای پیشرفته موجود است. قیمت محصولات ارگانیک گاهی چند برابر محصولاتی است که برای تولیدشان از مواد شیمیایی استفاده می‌شود. در عین حال، این محصولات در کشورهای پیشرفته بازار بسیار خوبی دارند. زیرا تضمین‌کننده سلامت مصرف‌کنندگان هستند.

کشاورزی حفاظتی نیز شیوه‌ای است که بدنبال کسب سود قابل قبول همراه با مقادیر زیاد و پایدار محصول می‌باشد. در عین حال که به محیط زیست آسیب وارد نسازد.

کشاورزی حفاظتی با انجام مدیریت تلفیقی خاک، منابع آبی و زیستی موجود، و منابع خارجی بدنبال حفاظت، بهبود و کارآمدتر کردن استفاده از منابع طبیعی است. ابداع انواع شیوه‌های خاک‌ورزی حفاظتی اعم از کم‌خاک‌ورزی و بی‌خاک‌ورزی از توصیه‌های مهم این شیوه است.

در قرن بیست و یکم چه باید کرد؟

آنچه از خط مشی‌های مطرح شده در چند دهه گذشته مشخص است اینست که: برای تداوم زندگی نیازمند تولید همیشگی محصولات کشاورزی هستیم. بنابراین، نباید برای کسب حداکثر سود در زمان حاضر، از نهاده‌های اضافی استفاده کرد. استفاده افراطی از سموم و کودهای شیمیایی موجب بیماری‌های لاعلاج می‌شود. پس از مدت کوتاهی از سودآوری تولید نیز می‌کاهد. استفاده افراطی از نهاده‌های شیمیایی به محیط زیست آسیب می‌زند. همین تخریب محیط زیست باعث تغییراتی در نظم طبیعت می‌شود. تغییر نظم طبیعت نیز هیچ‌گاه خوشایند نیست.

بنابراین؛

بقای ما در گرو حفظ منابع طبیعی و محیط زیست است.

بغیر از بحث محیط زیست، استفاده افراطی از نهاده‌ها هزینه زیادی نیز به کشاورز تحمیل می‌کند. این افزایش قیمت نهاده‌ها یک کشاورز باتجربه را وادار می‌کند که از نهاده‌های کشاورزی اعم از بذر، سم، کود، و حتی سوخت بهتر استفاده کند. استفاده بیش از اندازه بذر، سم و کود موجب افزایش ساعات کار تراکتور و افزایش هزینه مصرف سوخت نیز می‌شود.

پس؛

به کشاورزان توصیه می‌شود که همیشه از نظر مهندسين کشاورزی استفاده کنند.

اینکه چه محصولی کشت شود؟ یا چه نهاده‌ای، به چه مقدار، در کجا، کی، و با چه ابزاری استفاده شود؟ پرسشی است که یک کشاورز با تجربه و موفق همیشه از خود و افراد آگاه می‌پرسد. پاسخ همه این پرسش‌ها را مهندسين کشاورزی با تجربه می‌دانند و می‌توانند به شما کمک کنند.

پس؛

آگاه باشید که پرسیدن عیب نیست! ندانستن عیب است! و اشتباه کردن گناه بزرگی است که به آینده شما، خانواده شما و جامعه شما آسیب خواهد زد!

فناوری درخور

یک فناوری مناسب صرفاً به معنای به کار گرفتن ماشین‌های روز نیست. استفاده از بهترین یا گران‌ترین نهاده‌ها نیز لزوماً فناوری مناسب نیست.

کشاورزی موفق است که شرایط مزرعه یا باغ خود را به خوبی بشناسد. این کشاورز از تجربیات گذشتگان استفاده می‌کند. از اشتباهات گذشته پند می‌گیرد. عملکرد خود را از زمان شخم تا برداشت یادداشت برداری می‌کند. نتیجه یادداشت شده را تحلیل می‌کند. از نظر مهندسين مجرب استفاده می‌کند و عملکرد کشاورزان دیگر را تجزیه و تحلیل می‌کند. سپس برای کشت سال آینده برنامه‌ریزی می‌کند.

با پیشرفت سریع علم در چند سال گذشته، فناوری‌های جدیدی به کشاورزان معرفی می‌شود. بعضی از کشاورزان همواره بدنبال استفاده از فناوری روز هستند و به نیازهای مزرعه یا باغ خود نمی‌اندیشند. از طرفی دیگر، عده‌ای همواره بر روش خود اصرار می‌ورزند و حتی حاضر نیستند از علوم روز چیزی بشنوند.

اما کشاورزان موفق پیش از انجام هر گونه اقدامی، می‌اندیشند. سپس با کشاورزان و مهندسين مجرب مشورت می‌کنند. اگر نتیجه مشاوره مثبت بود، در سطحی کوچک به صورت آزمایشی امتحان می‌کنند. اگر تجربه موفق بود، فناوری را جایگزین روش خود می‌کنند.

بنابراین، توصیه یک فناوری در همه‌جای یک کشور، استان، شهرستان و حتی یک روستا هیچ‌گاه منطقی نیست. استفاده از هر فناوری باید:

۱. توجیه فنی داشته باشد:

مصرف انرژی، ظرفیت و ابعاد آن برای کشاورز مشکل ایجاد نکند.

خدمات پس از فروش در دسترس باشد.

قطعات یدکی و تعمیرات فراهم باشد.

۲. توجیه اقتصادی داشته باشد: یعنی سود حاصل از آن بیشتر از روش متداول باشد.

۳. توجیه زیست‌محیطی داشته باشد:

منجر به آلودگی هوا نشود.

آب‌های زیرزمینی و روان‌آب خروجی آلوده نشود.

منجر به ایجاد سر و صدای ناهنجار نشود.

۴. توجیه فرهنگی داشته باشد:

با شرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه مطابق باشد.

درخور سطح سواد و مهارت کشاورزان باشد.

در روستاهایی که نیروی کارگری فراوان و ارزان است، موجب بیکاری روستاییان نشود.

باید این نکته را به کشاورزان گرامی یادآور شد که:

استفاده از فناوری خرید یک کالای لوکس یا پیروی از یک مد نیست!

در مواردی مشاهده می‌شود که عده‌ای از کشاورزان بدون آگاهی از نیاز واقعی خود، تراکتور و ماشین‌های با توان ظرفیت بیش از نیاز خریداری می‌کنند یا در موارد اندکی بر اثر چشم و هم‌چشمی با کشاورزان دیگر، بدنبال تراکتورها و ماشین‌هایی با ظرفیت بیشتر هستند.

این اقدام، اگر بدون توجیه منطقی باشد، نه تنها هزینه‌های ثابت را بالا می‌برد. بلکه هزینه‌های جاری شما را نیز افزایش می‌دهد. هزینه‌های جاری شامل سوخت، روغن، تعمیرات و لوازم یدکی می‌شود. از طرف دیگر تراکتورها و ماشین‌هایی با توان و ظرفیت بالا سنگین‌تر هستند. همین سنگینی ادوات خاک شما را سخت کرده و عملکرد را پایین می‌آورد. در صورت فشردگی باید شخم عمیق زد که هزینه زیادی را تحمیل خواهد کرد.

فناوری کشاورزی دقیق، مدیریت موضعی نهاده است. این فناوری اصولاً هیچ ایراد فنی نباید داشته باشد. اما باید در جای خود استفاده شود. در مطالعه‌ای اقتصادی که در یکی از استان‌های کشور انجام گرفته است، مشخص گردید که بطور خوشبینانه برای تجهیز یک مزرعه به فناوری کشاورزی دقیق حداقل ۴۲۰ هکتار زمین لازم است که در شرایط مختلف این مقدار متغیر است.

در این مطالعه، توجیه اقتصادی کشاورزی دقیق منظور شده است. اما با منظور کردن شرایط فرهنگی و اجتماعی کنونی، شاید پیاده‌سازی این فناوری در این استان اصلاً عملی نباشد.

پس؛

لطفاً، پیش از اتخاذ تصمیم درباره فناوری‌های جدید، با مهندسین مجرب مشورت کنید و به

عواقب آن بیندیشید!

مکانیزاسیون حلقه مفقوده کشاورزی ایران

محمدباقر لک

مقدمه

مکانیزاسیون تنها راهکار در پیش روی کشاورزی قرن کنونی برای نیل به تأمین امنیت غذایی جمعیت روبه انفجار جهان است. این مفهوم تا کنون در ایران مهجور واقع شده و به طور صحیح تبیین نشده است چه در اجرا و چه در نظارت!

مفهوم مکانیزاسیون کشاورزی با ورود اولین تراکتورها به مزارع امریکا در اواخر قرن ۱۹ شکل گرفت. البته اولین تراکتورها عملکرد چندان رضایت بخشی نداشتند و علیرغم جثه‌ی بسیار بزرگ و سنگین، توان کمی داشتند. لذا در حدود صد سال پیش، مرکز آزمون تراکتور نبراسکا در ایالات متحده شکل گرفت و استانداردها و شیوه آزمون و ارزیابی تراکتورهای مورد تأیید آن مرکز تدوین شدند.

با تحولات عمده‌ای که در اوایل قرن بیستم در موتور تراکتورهای کشاورزی ایجاد شد، مکانیزاسیون مفهومی پیچیده تر از به کارگیری تراکتور یافت و به سمت مدیریت منابع توانی، ماشین‌های کشاورزی خود توان و وابسته به تراکتور پیش رفت.

با توجه به افزایش روزافزون جمعیت، رویکردی در مکانیزاسیون کشاورزی شکل گرفت که هدف از آن افزایش سطح زیر کشت و تعداد گیاه در واحد سطح، بهبود نظم قرارگیری بوته‌های محصول در ردیف‌های کشت، تسهیل در امر خاک‌ورزی، کاشت، داشت، برداشت و ارتقای عملیات پس از برداشت محصولات کشاورزی بود که در نهایت باعث کسب سود بیشتر نیز می‌شد.

این رویکرد در تولید که تنها منافع زودگذر اجتماع انسانی را مدنظر داشت، نتوانست در بلند مدت پاسخگوی تولید مقدار محصول مورد انتظار باشد؛ در عین حال که کیفیت محصول تولیدی نیز هیچگاه مورد توجه دست‌اندرکاران بخش تولید کشاورزی قرار نگرفته بود. شیوع انواع بیماری‌ها به علت مقاومت طبیعی و آلودگی ناشی از سوء مصرف سموم و کودهای شیمیایی، تراکم خاک‌های زراعی ناشی از عدم تیمار مناسب خاک ناشی از سوء مصرف کودهای شیمیایی و استفاده از تراکتورها و ادوات

سنگین و یا انجام بی‌موقع عملیات زراعی، ایجاد آسیب‌های جسمی و روحی به رانندگان تراکتورها و کمباین‌ها، تخریب محیط زیست و بسیاری از قبیل؛ جوامع پیشرفته را در اواخر قرن بیستم ترقیب به تحقیق پیرامون رفع مشکلات غیرقابل جبران ناشی از مکانیزاسیون ناصحیح کرد.

در دهه‌های پایانی قرن بیستم مفاهیمی همچون کشاورزی پایدار و کشاورزی دقیق شکل گرفتند. در رویکرد اخیر هدف حداکثرسازی بهره‌وری با حداقل تخریب محیط زیست بود. به عبارت بهتر برای تولید پایدار محصول کشاورزی سعی شد بیشتر از منابع داخل مزرعه استفاده شود و مدیریت موضعی نهاده انجام گیرد؛ بنحوی که هر مزرعه بصورت قطعاتی فرض شد که هر قطعه نیازهای یکسانی به نهاده‌ها دارد. بنابراین مقدار یکسان سم در همه‌جای مزرعه پخش نمی‌شود و آسیب زیستی آن کمتر شده و در مصرف نهاده‌ها صرفه‌جویی می‌شود.

در رویکرد اخیر یا به بیانی دیگر کشاورزی هزاره سوم، هدف تنها تولید محصول کشاورزی و حداکثرسازی سود کوتاه مدت به هر قیمتی نبود؛ بلکه جمیع عوامل دخیل در تولید اعم از انسان، محیط، اقتصاد، و فناوری مدنظر قرار گرفتند.

لذا در قرن حاضر نمی‌توان مکانیزاسیون را فقط به ماشینی کردن محدود کرد؛ بلکه علاوه بر مسائل فنی و اقتصادی، انسان و محیط زیست نیز از عوامل مؤثر بر تصمیم یک متخصص و تصمیم‌گیر مکانیزاسیون هستند.

مکانیزاسیون در ایران

کشت غلات از ده الی پانزده هزار سال پیش در خاورمیانه و احتمالاً ایران رونق داشته است و در تمدن ایران باستان دهقانان دارای مرتبه اجتماعی خاصی بوده‌اند. در دستورات دین اسلام نیز به امر کشاورزی بسیار توصیه شده است؛ بنابراین، با ورود اسلام به ایران همچنان کشاورزان دارای احترام خاصی بوده‌اند.

از رونق کشاورزی ایران در زمان حکومت صفویه گزارش‌هایی شده است. حتی در آن زمان یک مرکز تحقیقات کشاورزی در مراغه تأسیس شده است. این روند در دوران بعدی کمابیش ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۳۰۸ اولین تراکتور وارد ایران شد و این را می‌توان آغاز مکانیزاسیون کشاورزی در ایران

دانست. البته اوج تحولات در مکانیزاسیون کشاورزی در ایران مربوط می شود به دهه ۴۰ که خط مونتاژ تراکتورهای رومانی دایر شد. این تحولات ادامه پیدا کرد تا اینکه محصولات شرکت هایی مانند جان دیر و مسی فرگوسن نیز در ایران مونتاژ و در مواردی بومی شد. از طرفی دیگر، تولید ماشین های کشاورزی اعم از انواع گاوآهن، بذرکار، کودپاش، سمپاش، خرمکوب و ... رونقی دوچندان یافت. لذا طی بیش از نیم قرن اخیر پیشرفت مکانیزاسیون در ایران با سرعتی فزاینده ادامه یافته است.

آری بر اساس آمارها و شاخص ها، مکانیزاسیون ایران روبه رونق است. اما آیا واقعاً این روند افزایش بهره وری را در کشاورزی این مملکت در پی داشت؟!

این را باید از بررسی نرخ مهاجرت کشاورزان و روستائیان به شهرها و اشغال امور غیر کشاورزی و خدماتی توسط ایشان، ارزش و تراز صادرات و واردات بخش کشاورزی و آمارهای فائو استخراج کرد که خارج از حوصله این مقاله است.

همیشه از سوی مراجع دولتی شاخص اسب بخار بر هکتار و یا درجه مکانیزاسیون معیار بررسی وضعیت مکانیزاسیون و تحلیل آن است. حال آنکه زمان اعمال این توان (یعنی انرژی صرف شده برای هر عملیات) و یا شاخص های اقتصادی و ارگونومیکی عنوان نمی شوند.

البته شاخص هایی مانند ضریب یا سطح مکانیزاسیون (اسب بخار بر هکتار) و درجه مکانیزاسیون (%) را نمی توان بصورت یک عدد استاندارد برای کل یک کشور، استان، شهرستان و یا حتی یک روستا عنوان کرد و هدف نباید نیل به آن عدد در کل منطقه مورد نظر باشد.

انرژی موتوری مطلوب (اسب بخار ضرب در زمان اعمال توان تراکتور و احتمالاً کمباین) برای هر محصول، فعالیت، شرایط خاکی و اقلیمی، و شرایط فرهنگی و اقتصادی متفاوت است و برای هر حوزه مدیریتی باید دقیقاً محاسبه گردد. حال آنکه در گزارش شاخص اسب بخار بر هکتار، زمانی را که توان موتوری به زمین اعمال می شود اصلاً گزارش نمی شود. بنابراین مشخص نمی شود که به ازای هر واحد تولید محصول کشاورزی چقدر انرژی صرف شده است.

از طرف دیگر رسیدن به درجه مکانیزاسیون ۱۰۰٪ یک تصمیم کاملاً غیر علمی است. بطوریکه در برخی از سطوح مدیریتی (اعم از مزرعه، روستا، و ...) ممکن است استفاده از نیروی کارگری بسیار به صرف تر و کارآمدتر باشد و نیاز به ماشینی کردن کامل عملیات نباشد.

در بعضی از منابع رسمی عمر مفید کمباین و یا تراکتورها یک عدد مشخصی عنوان می‌شود در حالیکه کیفیت ساخت و نحوه نگهداری و بکارگیری آن ماشین بر عمر مفید مؤثر است و این سن نیز باید برای هر ماشین بطور مجزا تعیین شود تا بتوان آن را فرسوده اعلام کرد، از چرخه کار خارج و یا جایگزین کرد.

دست‌اندرکاران مکانیزاسیون بعضی از استان‌ها دارای مدارک غیر مهندسی ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون هستند و در پاسخ به این نقد، سابقه چند ساله‌ای را که اصلاً کیفیت آن مشخص نیست مطرح می‌کنند. همین تلقی باعث می‌شود که طرح‌های ملی بررسی عملکرد کمباین‌ها در فصل برداشت به شرکت‌هایی واگذار شود که بعضاً حتی مهندس ماشین‌های کشاورزی و مکانیزاسیون ندارند.

صدور گواهی‌های تأییدیه فنی با چه صلاحیت‌ها و استانداردهایی به مراکز خصوصی کارسپاری می‌شود. اصلاً تا کنون امکانات آزمایشگاهی، کارگاهی و زمین انجام آزمون و ارزیابی این شرکت‌ها بررسی شده است. البته یقیناً بسیاری از این مراکز تا اندازه‌ای ذی‌حق هستند زیرا هزینه‌هایی که تولیدکنندگان ماشین‌های کشاورزی برای آزمون و ارزیابی دستگاه خود می‌پردازند ناچیز است. از طرف دیگر بر روی نوع، کمیت، و کیفیت ادوات وارداتی و صلاحیت واردکنندگان ماشین‌های کشاورزی چقدر کنترل صورت می‌گیرد.

بسیار مشاهده می‌شود که تاجران بی‌عزت منافع شخصی مبادرت به وارد کردن ماشین‌های کشاورزی می‌نمایند. آیا اصلاً دانش فنی این واردکنندگان و تعهدات ایشان در قبال ارائه خدمات پس از فروش به خریداران بررسی می‌شود؟!

سخن پایانی

در پایان باید گفت که مکانیزاسیون کشاورزی تنها استفاده از ماشین‌های روز در کشاورزی نیست؛ بلکه استفاده از بهترین و مناسبترین ماشین است با رعایت جمیع جوانب!.

یعنی برای توصیه هر ماشین کشاورزی باید بررسی شود که یک واحد تولید کشاورزی نیاز به چه ماشینینی با چه ظرفیتی دارد، گزینه‌های موجود چیست، سابقه کشاورز برای استفاده از فناوری چگونه است، آیا کشاورز قدرت اقتصادی خرید و سرویس دستگاه را دارد، آیا علم استفاده از آن را دارد، عمر

مفید دستگاه جدید چقدر است، آیا نیروی کاری که در ازای به کارگیری آن دستگاه بیکار می شود جایی دارد که در آن مشغول به کار شود، آیا مراکز ارائه خدمات در نزدیکی وی وجود دارند، آیا تهیه لوازم یدکی و سوخت لازم برای دستگاه مهیا می باشد، آیا بکار گرفتن این دستگاه نسبت به روش متداول توجیه اقتصادی دارد و بسیاری از این قبیل!

این ها همه در حوزه تخصص و صلاحیت های یک مهندس مکانیزاسیون کشاورزی است که تا کنون متأسفانه اندک توجه درخوری هم به آن نشده است و انتظار می رود که سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و مسئولین ذی ربط تدابیری درست برای آن بیاندیشد.

کشاورزی دقیق

محمدباقر لک

مقدمه

کشاورزی دقیق، چشم اندازی از کشاورزی آینده است که ماهواره ها، سنسور ها، نقشه ها و داده های حاصل از دور سنجی، به کمک کشاورز آمده و دقت عمل او را بالاتر می برند. تحقیق پیرامون کشاورزی دقیق در ایالات متحده، کانادا، و اروپای غربی از اواسط تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد. هرچند تلاش تحقیقاتی قابل توجهی گسترش یافت، اما هنوز جمعیت اندکی از کشاورزان به فناوری کشاورزی دقیق روی آورده اند.



در کشاورزی دقیق، داده های حاصل از زمین بوسیله سنسورهای مختلفی که بر روی ادوات کشاورزی نصب گردیده اند با مشخصات محل داده که توسط GPS تعیین می شود و زمان ورود داده، در مانیتور محصول ترکیب می شود و اطلاعات حاصله به سیستم GIS داده شده تا نقشه های محصول بصورت ویژه مکانی در آیند.

این نقشه ها مدیران مزرعه را قادر می سازد که تصمیمات مدیریتی خود را با توجه به شرایط موجود در هر سایت -که سایت کوچکترین بخش مدیریتی مزرعه است- اتخاذ کرده و بهترین اقدامات را با توجه به این شرایط به مرحله اجرا در آورند.

انتظار می رود، فناوری های کشاورزی دقیق در تولید کشاورزی در دو ناحیه تأثیرگذار باشند: سودآوری برای تولید کنندگان، و فواید زیست محیطی برای عموم (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۲). کشاورزی دقیق از عناصر و مفاهیم مختلفی شکل گرفته است که وجود هریک از آنها ضروری و در عین حال نا کافی است که از این میان می توان به سیستم های ماهواره ای شامل GPS و DGPS، حسگر های مختلف، پایشگر محصول^۲، رایانه، مدیریت ویژه مکانی، نقشه محصول، و بکار گیری نرخ متغیر^۳ اشاره کرد.

- شولز و همکارانش (۲۰۰۷) منافع بکارگیری کشاورزی دقیق را چنین بر می شمارند:

- اطلاعات بمنظور اقدام مقتضی
- نظارت بهتر بر فرآیندهای زراعی
- جنبه زیست محیطی
- جنبه اقتصادی

با توسعه و بسط این علم، از کشاورزی دقیق بعنوان راه حلی ممکن برای دستیابی به کشاورزی پایدار نام برده می شود. این فناوری در کشورهای توسعه یافته در مزارع بزرگ و نواحی ای که دارای فناوریهای سطح بالایی هستند به اجرا درآمده است.

برای عملی شدن کشاورزی دقیق، این مراحل ضروری است:

- توسعه سامانه GPS کشاورزی دقیق
- توسعه FGIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی مزرعه)
- توسعه سامانه جمع آوری داده ها از سطح مزرعه
- توسعه سامانه مدیریت و تصمیم گیری مزرعه
- توسعه ماشین های کشاورزی هوشمند

1 - Differential Global Positioning System (DGPS)

2 - Yield Monitor

3 - Variation Rate Application (VRA)

▪ ارزیابی سامانه مرتبط با اثرات زیست محیطی

عرضه و تقاضا برای فناوری کشاورزی دقیق

تولید کنندگان و تجار محصولات کشاورزی به کشاورزی دقیق روی آورده اند ولی مقبولیت آن نسبتاً کم بوده است. بیشترین استفاده در ایالات متحده امریکا بوده اما در کمتر از 2٪ مزارع ایالات متحده از تکنولوژی کشاورزی دقیق استفاده می شود. مقبولیت کند منجر به بازده کم بنیه تری شده است.

پایش محصول^۱ لبه مقدم اطلاعات فناوری دقیق بوده است. از تعداد ۳۰۰۰ پایشگر محصول در ایالات متحده و کانادا فقط حدود نصف آن به GPS مجهز می باشد.

در سال ۱۹۹۸ تقریباً ۱۸٪ از وسعت زیر کشت غلات در کرن بلت^۲ زیر پوشش پایش بود. در سال ۲۰۰۰ در استرالیا، از ۸۰۰ پایشگر برای برداشت محصول استفاده شد که ۵۰۰ مورد از آن در غرب استرالیا مورد استفاده قرار گرفت. در سال ۲۰۰۰ در جنوب آفریقا از ۱۵ پایشگر استفاده شد که اغلب در کیپ پروینس^۳ غربی استفاده شد.

هیچ پایشگر محصولی بطور اقتصادی در دیگر نقاط امریکا، شرق اروپا یا آسیا استفاده نشد (البته تا سال ۲۰۰۰).

بکار گیری پایشگر ها برای محصولات دیگری از قبیل پنبه، نی شکر، سیب زمینی، چغندر قند، گوجه فرنگی و غیره در حال گسترش است.

1 - Yield Monitoring

2 - Corn Belt

3 - Cape Province



مدیریت ویژه مکانی

عبارت است از تعیین کوچکترین سطح ممکن بعنوان یک المان منفرد. بعنوان مثال، بجای بحث در مورد کل سطح مزرعه در رابطه با به کار بری علف کش می توان فقط در جایی از مزرعه که مورد هجوم علف های هرز قرار گرفته است، مواد مذکور را بکار برد. مدیریت "ویژه مکانی"، مدیریت سم پاشی همان اراضی مورد هجوم قرار گرفته است.

بکار گیری نهاده هایی از قبیل بذر، کود و سموم شیمیایی بصورت ویژه مکان بطور بالقوه می تواند هزینه های نهاده ها را کاهش داده، عملکرد محصول را افزایش دهد و برای محیط زیست مفید باشد. سایت، کوچکترین واحدی است که کشاورز می تواند با ابزارهای موجود، آن را مدیریت نماید. که این سطح معمولاً در حدود ۱۰۰ فوت مربع است. تیمار یا روشی که در هر سایت اعمال می شود، منحصر به فرد است و نیاز به اطلاعات خاصی دارد که توسط داده های آزمایش خاک و گزارش های پایشگر محصول انجام می پذیرد. به کار گیری GPS کشاورزان را قادر ساخته است تا نقشه مزارع خود را تهیه نمایند. اخیراً با بکار گیری توانایی های رایانه ای، می توان یک مزرعه را بصورت شبکه ای از صدها واحد مدیریت پذیر مجزا در نظر گرفت که این امر بستگی به اندازه مزرعه، تأمین بودجه آزمایش ها و مساحت هر بخش شبکه دارد.

به منظور بهره گیری از مدیریت "ویژه مکانی"، تولیدکنندگان باید اطلاعات ضروری و فناوری را در اختیار داشته باشند. به طوریکه بتوان یک برنامه مدیریتی جامع را به اجرا درآورد. اطلاعات مورد

نیاز شامل خواص فیزیکی و شیمیایی خاک، توپوگرافی مزرعه، جمعیت آفات، بیماری های گیاهی و رطوبت در دسترس می شود. فناوری برای بدست آوردن و به کارگیری اینگونه اطلاعات ضروریست. فناوری های کلیدی، شامل GPS/GIS، سامانه های کنترل و سامانه های تهیه نقشه محصول می باشند. با این وجود، بمنظور استفاده بهینه از این فناوری، باید بر روی تجهیزات تولید، کارنده ها، سمپاشها، ماشین های برداشت و غیره نصب شود و سازگار با فناوری روز و دقت مورد نیاز در کشاورزی دقیق باشد.



می توان با تقسیم کردن یک مزرعه به نواحی مدیریتی کوچکتر، نهاده های کشاورزی را به صورت ویژه مکانی به کار گرفت. این نواحی از لحاظ ویژگی ها نسبت به کل مزرعه یکنواخت تر هستند. یک ناحیه مدیریتی بعنوان "بخشی از یک زمین است که ترکیب یکنواختی از عوامل محدود کننده دارد که برای آن یک نرخ مشخص از نهاده محصول مناسب است" (دورج، ۱۹۹۸). بنابراین، نواحی مدیریتی برای نهاده های مختلف ممکن است متفاوت باشد، و طرح نواحی مدیریتی برای

یک نهاده خاص باید عواملی را که بر تأثیر نهاده بر افزایش محصول مؤثر اند در میان بگیرد (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۰).

راهبردهای ویژه مکانی برای بهبود عملکرد محصول و سودآوری، دارای اجزای متداولی است که بستگی دارد به ویژگی های خاک، توپوگرافی و اقدامات مدیریتی پیشین. این راهبردها اغلب دارای روابطی با نقشه های محصول هستند.



پایشگر محصول

پایشگر محصول، بعنوان یکی از عناصر مهم کشاورزی دقیق وظیفه جمع آوری اطلاعات مختلف محصول از طریق حسگرهای مختلف و تطبیق زمانی و مکانی این اطلاعات را بر عهده دارد که ماحصل آن به صورت نقشه های محصول به نمایش در می آید.

یک پایشگر محصول مجهز به فناوری تعیین موقعیت جهانی (GPS)، ابزاری است الکترونیکی که اطلاعاتی راجع به عملکرد محصول در سالی مشخص را جمع آوری می کند. پایشگر محصولات دانه ای، اطلاعاتی مانند جریان دانه، رطوبت دانه، سطح تحت پوشش و موقعیت را برآورد و ثبت می کند و عملکردهای مختلف را بطور خودکار محاسبه می کند. البته پایشگرهای محصولی هم برای محصولاتی از قبیل بادام زمینی، پنبه، علوفه سیلویی و چغند قند موجود می باشد.

پایشگر محصول این قابلیت را دارد که تغییرات عملکرد محصول یک مزرعه را با کمک GPS تعیین نماید. در صورتیکه تغییرات زیاد باشد، کشاورز می تواند دنبال دلیلی از قبیل بیماری ها یا فقدان عناصر غذایی داخل خاک باشد و سپس می تواند، مزرعه خود را بصورت ویژه مکانی مدیریت نماید (احسانی، ۲۰۰۱).



روش سنتی پایش محصول که با وزن کردن دسته محصولات برداشت شده انجام می گردد، راهی را بدست می دهد که در روش پایش لحظه ای محصول در کشاورزی دقیق به کار می آید. پایش پیشرفته محصول در برداشت غلات، از حسگرهایی بهره می برد که بر روی کمباین قرار

داده می شوند تا میزان محصول برداشت شده همراه با سرعت برداشت را ثبت نمایند. این داده با اطلاعات مکانی GPS هر داده ترکیب شده و امکان تهیه نقشه محصول در سامانه GIS را فراهم می آورد. این نقشه را می توان با نتایج حاصل از نقشه های داده های آزمایش خاک، نقشه های کاربرد مواد شیمیایی و سایر اطلاعات مقایسه کرد و برای مدیریت برنامه ویژه مکانی سال آینده مورد استفاده قرار داد. هنگامی که این نقشه ها در سامانه GIS به صورت لایه ای بر روی هم قرار می گیرند و با همدیگر ادغام می شوند، نقشه محصول روابط بین میزان محصول و متغیرهای وضعیت مزرعه را بصورت مستند نشان می دهد.

پایشگر محصول ابزاری است الکترونیکی که اطلاعات مختلف محصول را از طریق ابزارهای و حسگرهای مختلف جمع آوری کرده و همراه با اطلاعات مکانی و زمانی آن بصورت ویژه مکانی ثبت می کند؛ برای تهیه نقشه محصول و اتخاذ تصمیمات مدیریتی مزرعه، در اختیار کاربر قرار می دهد.

پایشگر محصول حساسیت فوق العاده ای نسبت به شرایط نصب و نگهداری دارد. بنابراین باید در نصب صحیح، نگهداری مناسب و میزان بندی دقیق آن دقت نمود و از عوامل ایجاد خطا در محاسبات آن تا حد ممکن کاست تا نتیجه مطلوبی از کار آن بدست آید.

اجزای پایشگر محصول

پایشگرهای محصول ترکیبی هستند از چند جز که در شکل نشان داده شده است. بطور معمول دارای چند حسگر و دیگر اجزای متفاوت هستند؛ که شامل یک ابزار ذخیره اطلاعات، رابط کاربر

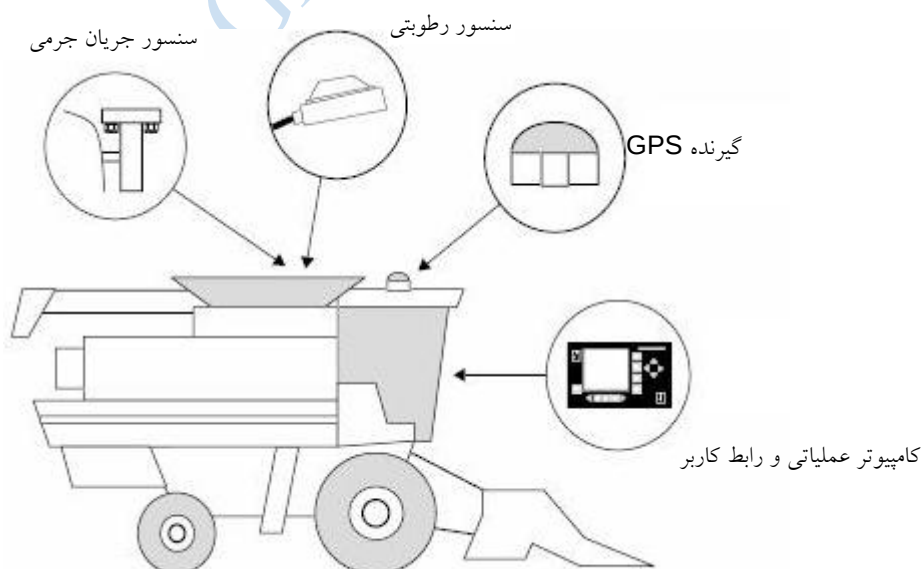


(صفحه نمایش و صفحه کلید) و یک رایانه عملیاتی است، این رایانه در کابین کمباین قرار می گیرد و همکاری و روابط متقابل بین اجزا را کنترل می کند. حسگرها، جرم یا حجم دانه، سرعت جداکننده ها، سرعت حرکت، رطوبت دانه و ارتفاع خوسه چین را محاسبه می کنند.

عملکرد محصول بعنوان نتیجه پارامترهای مختلفی که سنسش می شوند، مشخص می گردد. وظایف این اجزا را باید دانست تا درک بهتری از روابط متقابل پایشگر محصول، اپراتور کمباین و قطعات متحرک کمباین بدست آید.

پایشگر محصول مجهز به یک گیرنده DGPS، اطلاعات را در قالبی نگهداری می کند که شامل اطلاعات مربوط به موقعیت هم باشد. این اطلاعات که بطور مکانی فهرست می شوند، بعداً در تهیه نقشه های محصول، رطوبت، ارتفاع یا نقشه های هرگونه اطلاعات دیگری که در طی برداشت جمع آوری شده است؛ مورد استفاده قرار می گیرد.

بعضی از پایانه های نمایش برای چند منظور طراحی شده اند و می توان از آن ها در دیگر عملیات زراعی از قبیل نرخ های متغیر کاشت و پخش هم استفاده نمود.



مزایای استفاده از یک پایشگر محصول

وظیفه پایشگر محصول، ارائه برآوردی دقیق از چگونگی تنوع عملکرد محصول مزرعه، به اپراتور است. اگرچه یک پایشگر محصول می تواند در بسیاری از جنبه های مدیریت محصول به تولیدکنندگان دانه کمک کند، اما هیچگاه این ابزار قادر به تغییر درجه بازارپسندی دانه نیست.

یک پایشگر محصول به تنهایی می تواند اطلاعات مفیدی را فراهم نماید و تحقیقات درون مزرعه ای را بهبود دهد اما تجزیه و تحلیل و یافتن علت تغییرات از عهده پایشگر محصول خارج است.

اطلاعات محصول برای یک "بار" یا زمین خاص جمع آوری می شود. در نتیجه، مقایسه هیبریدها، تیمارها یا روش های اعمال شده در کرت های آزمون آسان تر می شود.

بعنوان مثال همه پایشگرهای محصول می توانند جرم دانه و سطح برداشت شده را برحسب بار یا زمین محاسبه کنند. این ویژگی به کاربر این اجازه را می دهد که در مورد وزن دانه جمع شده، سطح برداشت شده و میانگین محصول، قرائتی لحظه ای داشته باشد.

در بسیاری از پایشگرهای محصول، این مقادیر را می توان به یک رایانه شخصی وارد نمود و بمنظور تجزیه و تحلیل بیشتر در حافظه نگهداری کرد یا بوسیله بسته های نرم افزاری مخصوص یا پردازشگر استاندارد کلمات و نرم افزار صفحه گسترده دیگری چاپ کرد. سپس ممکن است خلاصه سطوح برداشت شده هر فصل، برای تسویه هزینه های برداشت مشتریان و یا رکورد گیری تولید هر مزرعه، مورد استفاده قرارگیرد.

همچنین کشاورز می تواند آزمایش ها یا سنجش های کنترل علف هرز را بدون نیاز به واگن وزن کشی بطور درون مزرعه ای، بوسیله یک پایشگر محصول انجام دهد. اینچنین سنجش های درون مزرعه ای به تولیدکنندگان کمک می کند تا اقدامات تولید زراعی را با خاک هایشان وفق دهند.

محدودیت های پایشگر های محصول

پایشگر محصول، نرخ ورود دانه تمیز شده به مخزن دانه را تخمین می زند. سیستم های کوبیدن و جدا سازی^۲ باعث تأخیر زمانی زیادی بین زمان ورود دانه به خوشه چین کمباین و زمان عبور آن از

1 - Load

2 - Threshing and Separating Systems

بالابر دانه تمیز می شود. کمباین ها همچنین اثر تغییرات ناگهانی عملکرد محصول را محو می کنند. از اینرو پایشگر محصول نرخ هایی متوسط با تأخیر زمانی را از محصول برآورد می کنند. پدیده تأخیر و محوشدگی اثر تغییرات، زمانی بسیار آشکار اند که کمباین وارد محصول می شود و یا از انتهای مزرعه خارج می شود.



سامانه های ماهواره ای

الف - GPS

سامانه تعیین موقعیت جهانی (GPS) یک سامانه هدایت ماهواره ای، شامل شبکه ای از ۲۴ ماهواره در حال گردش است که در فاصله ۱۱ هزار مایلی و در شش مدار مختلف قرار دارند. ماهواره ها در حال حرکت می باشند و در طی مدت ۲۴ ساعت دو بار کامل بر گرد زمین می گردند (با سرعتی در حدود ۱۷۳۸۰۹/۸ متر بر ثانیه). ماهواره های GPS بنام ناو استار^۱ شناخته می شوند. سامانه تعیین موقعیت جهانی (GPS) یکی از ابزار است که مدیریت ویژه مکانی را در کشاورزی دقیق ممکن می سازد. GPS، اپراتور را قادر به تعیین دقیق موقعیت خود در هر نقطه از سطح زمین می سازد. توانایی تعیین موقعیت بطور جغرافیایی، توانایی برای ساخت انواع متنوع نقشه های مربوطه را افزایش داده است. ویژگی های خاک، توپوگرافی، عملکرد محصول، جمعیت آفات، و نقشه های مشابه، ابزارهای مدیریتی ارزشمندی هستند که با استفاده از فناوری GPS فراهم شده اند. اطلاعات

جغرافیایی عملکرد محصول و مزرعه در سامانه های اطلاعاتی جغرافیایی (GIS) ذخیره می شوند تا موجب تسهیل تصمیمات مدیریتی شوند.



منابع ایجاد خطا در GPS

با افزایش دقت و کاربرد GPS، خطاهایی که مربوط به خود GPS نیستند نیز افزایش پیدا می کند. چندین عامل می تواند در اطلاعات تعیین موقعیت GPS خطا ایجاد کند که محدودیتهای ساعت ماهواره و گیرنده، تغییرات تقویم نجومی، وضعیت ماهواره و تداخل جوی از آن جمله اند.

محدودیت های ساعت

ساعت های داخلی ماهواره و گیرنده دقت را دچار محدودیت می کنند و دقیقاً با هم مطابقت نمی کنند. از آنجا که تعیین موقعیت بستگی به اطلاعات زمانی دقیق دارد، خطاهای کم ساعت می تواند خطاهای قابل توجهی در تعیین موقعیت ایجاد نماید که البته از سیگنالی که از چهار ماهواره مخابره می شود، برای تصحیح برخی انواع ساعت ها استفاده می شود.

تغییر در تقویم نجومی

پیش بینی مدارهای ماهواره برای مدتی طولانی مشکل است و سرویس دهندگان سامان باید هر از چندگاه آن را تنظیم کنند. از آنجا که این مدارها تغییر می کنند، ممکن است منجر به ایجاد خطاهایی در تقویم نجومی (موقعیت) ماهواره ای شوند که در برآورد های نقشه کشی مورد استفاده قرار می گیرند.

موقعیت ماهواره

موقعیت ماهواره از منظر یک گیرنده در هر زمان مشخص می تواند دقت تعیین موقعیت را تحت تأثیر قرار دهد. به عنوان مثال، در صورتیکه تمامی ماهواره های قابل رویت^۱ در شرف دسته شدن در نزدیکی هم باشند، موقعیت مثلثاتی^۲ دارای دقت کمتری نسبت به حالتی است که همان ماهواره ها بطور متعادل در حول آسمان قابل رویت پخش شده باشند. ترکیب ماهواره ای با مقدار دقت (DOP^۳) بطور کمی بیان می شود. بسیاری از گیرنده های GPS مقادیر DOP را نشان می دهند. بطور کل، مقادیر DOP کمتر از ۴ بهترین تعیین موقعیت ها را در برخواهد داشت.

اختلال ناشی از اتمسفر

رطوبت و یونهای موجود در اتمسفر می تواند سرعتی که امواج رادیویی ماهواره ارسال می شود تغییر دهد. علاوه بر این، امواج رادیویی زمانی که وارد جو زمین می شود منحرف می شوند. که عملاً طول مسیری را که سیگنال رادیویی طی می کند تا به گیرنده برسد را تغییر دهد.

اثرات جوی معمولاً برای ماهواره هایی که نسبت به افق کم ارتفاع هستند، بیشتر است بنابراین گیرنده های GPS به کاربر اجازه می دهند تا ماهواره هایی که پایین تر از یک زاویه ثابت نسبت به افق هستند را نادیده بگیرد.

تغییرات در یونسفر می تواند دامنه و فاز سیگنال های GPS را تغییر دهد. تداخل مربوط به یونسفر مشکلاتی در عرض جغرافیایی کم (در نزدیکی خط استوا) ایجاد می کند به گونه ای که عرض جغرافیایی را بیشتر از آنچه هست نشان می دهد.

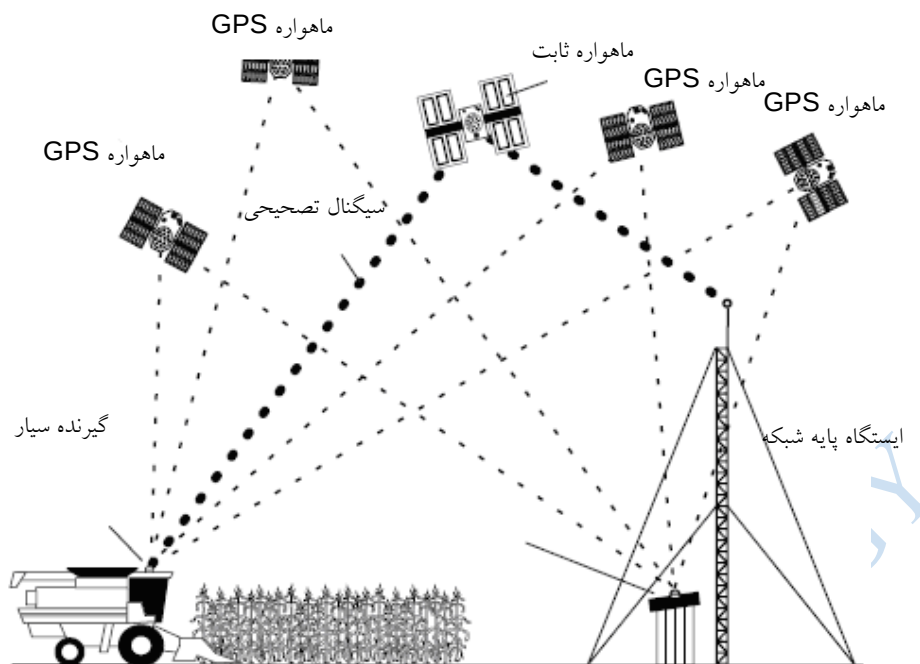
خطاهای چند مسیری

چند مسیری بدین معناست که یک سیگنال رادیویی چندین دفعه از مسیرهای مختلف دریافت شود. به عنوان مثال، یک موج رادیویی می تواند ماهواره را ترک کند و بطور مستقیم به گیرنده برسد. همچنین می تواند نسبت به یک ساختمان منعکس شده و در زمان دیرتری به گیرنده برسد. متداول ترین علل خطاهای چند مسیری در زمینه های کشاورزی، ساختمان ها، تالاب ها و دریاچه ها هستند. با فنون پیشرفته پالایش آنتنی، جدیدترین گیرنده های GPS در کاهش خطاهای چند مسیری بسیار مؤثر خواهند بود.

دقت گیرنده های GPS با بازتاب یک سیگنال از چند مسیر مختلف، کاهش پیدا می کند. بازتاب از اجسام اطراف گیرنده، باعث ایجاد تغییر زمانی می شود. این مشکل را می توان با بکار گیری بسته های نرم افزاری و پردازشگرهای پیشرفته برطرف کرده و اثر بازتاب از مسیرهای مختلف را جبران نمود.

ب- سیستم تعیین موقعیت جهانی تفاضلی (DGPS)

سیستم تعیین موقعیت جهانی تفاضلی (DGPS)، ادغامی است از بخش های فضایی و زمینی، که در کنار هم یک وسیله هدایت مخابراتی را در بر می گیرند. با توجه به منافع امنیت ملی، تنها بخشی از سیستم DGPS برای کاربران غیر نظامی مهیا می شود. (شکل زیر شمایی است از DGPS). زمانی که اطلاعات محصول همراه با اطلاعات حاصل از گیرنده DGPS مورد استفاده قرار می گیرند، تولیدکننده می تواند نقشه های تولیدی محصول که تجسم زنده ای از عملکرد محصولات در یک واحد تولید محصول خاص را نشان می دهد، بدست آورد. در آخر، هرگونه مزیت افزوده حاصل از دخالت یک مانیتور محصول در یک عملیات، از تغییرات در روشهایی از مدیریت ناشی می شود که ناشی از شناسایی سطوح مشکل با استفاده از این قبیل نقشه های محصول است. مزایای استفاده از مانیتور محصول، بوسیله DGPS دست یافتنی تر است.



بی اثر کردن خطاهای GPS با GPS تفاضلی (DGPS)

در کاربردهای کشاورزی، متداول ترین روش برای از بین بردن خطاهای GPS، استفاده از GPS تفاضلی یا DGPS می باشد. در یک سیستم DGPS، یک گیرنده GPS در نقطه ای که دقیقاً مشخص شده است قرار دارد. این گیرنده ایستگاه پایه، موقعیت دقیق خود را با موقعیت حساب شده از سیگنالهای GPS نسبت به خطای GPS برآورد خواهد کرد. این اطلاعات خطا به گیرنده های بسیاری فرستاده می شود که از این اطلاعات برای تصحیح اطلاعات تعیین موقعیت که از سیگنالهای GPS محاسبه می شود، استفاده می کنند. دقت سیستم های DGPS می تواند با توجه به موقعیت سیستم 3 تا 15 فوت باشد.

تصحیحات DGPS را می توان بوسیله سیستم های مخابراتی ماهواره ای یا برج های مخابراتی مخابره نمود. این تصحیحات را می توان از نمایندگی های دولتی بطور رایگان و یا با پرداخت مبلغی سالانه از سرویس دهندگان تجاری تهیه نمود.

انواع سنسور

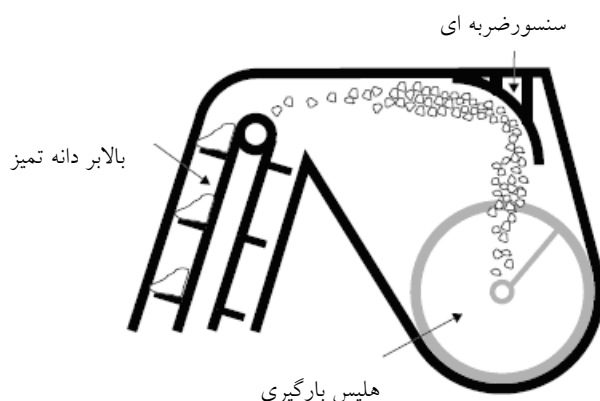
سنسور های جریان دانه

سنسور مورد استفاده جهت محاسبه جرم یا حجم دانه تمیز شده ای که از جداکننده کمباین عبور می کند، ضروری ترین جزء هر سیستم مانیتورینگ محصول است. درحالیکه ممکن است نوع سنجش جریان جرمی یا جریان حجمی در بین سازندگان متفاوت باشند، اما این ابزارآلات تقریباً همیشه بر بالای بالابر دانه تمیز یا نزدیک آن نصب می شوند. چنانکه در شکل زیر مشاهده می شود.

سنجش جریان جرمی

معمولترین روش، سنجش جریان جرمی است که با برآورد نیروی ضربه ای دانه ای که با صفحه برخورد می کند، انجام می شود. پره های بالابر دانه تمیز، به دانه سرعت می دهند. بطوریکه، در بالای بالابر زنجیر، چرخشی ۱۸۰ درجه ای ایجاد می کند. بمحض اینکه پره ها، این چرخش را ایجاد می کنند، شتاب گریز از مرکزی بوجود می آید که منجر به جدا شدن دانه ها از پره ها می شود. سپس دانه با کناره بالابر تماس پیدا می کند و به طرف کف هلیس بارگیری مخزن سرازیر می شود. در این حالت است که دانه به محفظه بالابر ضربه می زند که این سنسورهای ضربه ای در آن قرار دارند.

یک سنسور ضربه ای، نرخ جریان جرمی دانه در کمباین را بوسیله سنجش نیروی دانه که به یک صفحه یا میله ضربه می زند، محاسبه می کند. از یک گیج نواری یا یک پتانسیومتر خطی هم، جهت محاسبه خم شدگی میله ها یا اعضای مختلف نگهدارنده صفحه استفاده می شود. سه سنسور دیگر _رادیویی، فتوالکتریک و چرخ های پره دار_ هم از آنجا که در برخی از محصولات تجاری بکار می روند، بحث می شوند.



سنجش جریان حجمی

"سنسور رادیوئی" جریان جرمی دانه در حال عبور از بین یک منبع رادیوئی و سنسور را محاسبه می کند که معمولاً در بالای بالابر دانه تمیز سوار شده است. وجود دانه مابین منبع و سنسور، دامنه تشعشع رادیوئی سنسور را ضعیف کرده یا کم می کند و تابعی است از جرم دانه بین آنها.

"سنسورهای فتوالکتریک" حجم دانه موجود در هر پره بالابر دانه تمیز را محاسبه می کند. یک یا چند منبع نوری و سنسورهای جفت در مقابل یکدیگر از این سو به آن سوی محفظه بالابر دانه تمیز قرار دارند و جریان حجمی دانه به زمان بندی قطع شدگی های جریان نور مربوط می شود. زمان بندی این دوره های قطع شدگی برآوردی از جریان حجمی دانه را بدست می دهد. محدودیتی که برای این سیس تم وجود دارد، خطای بالقوه ایست که در صورت فعالیت کمباین در دامنه تپه ها، منجر به این می شود که دانه به یک طرف پره های بالابر نیرو وارد می کند.

جریان حجمی را همچنین می توان با استفاده از یک "چرخ پره دار" در ته مخزن هلیس بارگیری محاسبه نمود. چرخ پره دار با سرعت کنترل شده ای می چرخد تا این اطمینان حاصل گردد که ناحیه بین پره های مجاور با دانه پر می شود. چرخش چرخ به یک موقعیت جدید به دانه ها اجازه می دهد تا در فضای بین دو پره بعدی جمع شوند. سپس حجم دانه بوسیله ثبت تعداد حرکات انتقالی پره مشخص می شود.

امروزه، می توان بسیاری از کمباین ها را با مانیتورهای محصولی که توسط کارخانه نصب شده اند، خریداری نمود. مانیتورهای تجاری هم برای نصب بر روی کمباین های آخرین مدل، موجود می باشند. ابزار محاسبه جریان (صفحه ضربه ای) در دریچه سرویس دهی در بالای بالابر دانه تمیز یا در یک دریچه در بالای بالابر قرار می گیرد. در برخی موارد، سنسور ضربه ای را می توان فقط با ایجاد یک حفره در بالای مخزن بالابر دانه تمیز، سوار نمود.

نصب کامل یک مانیتور محصول، نیازمند قراردادن سنسور جریان جرمی، نزدیک به موقعیت دندانه بالایی بالابر است. یک مکانیزم جدید تنظیم هم، باید در انتهای پایینی بالابر دانه تمیز نصب شود. پس از کالیبره کردن، برای تنظیم کشیدگی زنجیر بالابر فقط باید چرخ دنده پایینی را تعویض نمود. هرگونه تغییر مکان چرخ دنده بالائی بالابر، زاویه ضربه دانه را تغییر می دهد که به موجب آن، کالیبره کردن

مجدد لازم می شود. کالیبره کردن سنسور جریان بستگی دارد به روابط متقابل نرخ جریان جرمی دانه (برحسب پوند بر ثانیه) با اندازه و فرکانس نیروی ضربه. شکل هندسی صفحه ضربه ای که مربوط می شود به پره های بالابر، می باید تا پس از کالیبره کردن مانیتور محصول حفظ شود تا مجموعه اطلاعات صحیحی را بدست دهد.

سنسور سرعت جداکننده و سنسور سرعت زمینی

در فرایند مانیتورینگ محصول، تعیین سرعت جداکننده و سرعت زمینی ضروری است. سرعت جداکننده با استفاده از یک سنسور مغناطیسی ساده بر روی یکی از شافت های جداکننده تعیین می شود. این سنسور، موجی مربعی با فرکانسی تولید می کند که متناسب است با سرعتی که یک بلوک آهنی، از بردارنده مغناطیسی می گذرد. این سنسورها، اصولاً بمنظور نظارت بر سرعت استوانه و دمنده بر روی کمباین نصب می شوند. سرعت بالابر دانه تمیز مضرپی است از سرعت جداکننده و برای کالیبره کردن نرخ جریان جرمی باید بدست آید. با مانیتورینگ سرعت شافتی که بطور مستقیم با گرداننده بالابر درگیر شده است؛ از یک نسبت ساده می توان جهت تعیین فرکانس پره هایی که از صفحه فشاری عبور می کند استفاده نمود و می توان از آن برای تنظیم سیگنال نرخ جریان جرمی استفاده نمود. اغلب سازندگان مانیتورهای محصول تجاری، کابل هایی را تهیه می کنند که به نصب کننده اجازه می دهد تا از این سیگنال سرعت بهره برداری نماید.

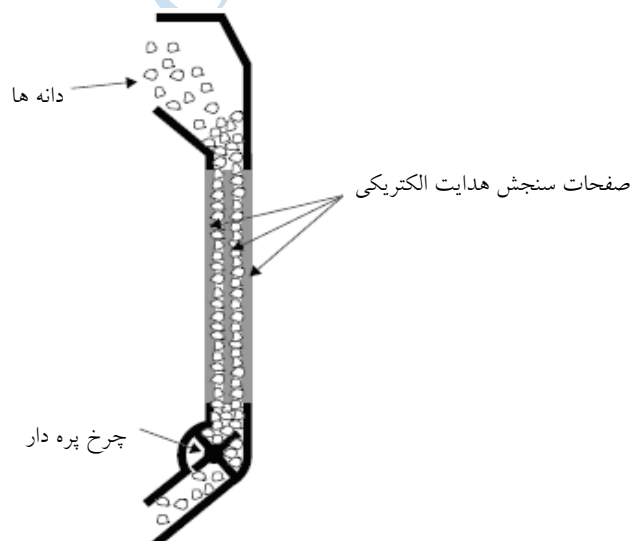
فاصله پیموده شده بطور ساده حاصلی است از سرعت زمینی (سرعت) و زمان نمونه برداری. سرعت زمینی را می توان براحتی با استفاده از یک بردارنده مغناطیسی موجود که توسط سازنده کمباین تهیه شده است، محاسبه نمود. به محض اینکه دندانه های چرخ دنده آهنی دستگاه انتقال قدرت از بردارنده مغناطیسی عبور کند، یک موج مربعی تولید می شود. سرعت زمینی مضرب ثابتی از این فرکانس های تولید شده است و در طی کالیبره نمودن مانیتور محصول مشخص می شود.

بمحض اینکه سرعت زمینی مشخص شود، فاصله پیموده شده توسط کمباین در طی مدت نمونه گیری با ضرب نمودن سرعت زمینی در مدت زمان نمونه گیری مشخص می شود. بعنوان نمونه فرض کنید که یک کمباین، ۴ مایل (۶۴۳۷/۴ متر) را در هر ساعت طی می کند. اگر از مدت زمان نمونه

گیری ۱ ثانیه ای برای نگهداری اطلاعات محصول استفاده شود ، کمباین ۷۰/۴ اینچ (۱۷۸/۸۱۶ سانتیمتر) را در مدت زمان نمونه گیری طی کرده است. بطوریکه نشان داده خواهد شد؛ این مقدار _ که "مسافت طی شده" نام دارد _ بعنوان بخشی از فایل اطلاعات محصول ذخیره می گردد و برای تعیین "سطح برداشت شده" که حاصلی است از مسافت طی شده در پهنای مؤثر دهانه خوشه چین در طی یک دوره، مورد نیاز است.

یکی از مشکلات این روش، محاسبه خطای ناشی از بکسوات چرخ می باشد. رادار، روش دیگری را برای محاسبه سرعت زمینی فراهم می آورد و در مقایسه با سنسور بردارنده مغناطیسی، ارجحیت دارد و تحت تأثیر خطاهای بکسوات چرخ که عامل مهمی در موقع فعالیت کمباین در شرایط نامطلوب از قبیل خاک مرطوب است، نمی باشد. هرچند، رادار هم بویژه در موقع فعالیت در محیط های پر بقایا، در معرض خطا است. جنب و جوش علف های هرز یا کلش گیاهان که از باد ناشی می شود، ممکن است انعکاس های غلطی را برای رادار ایجاد کند.

اخیراً سازندگان مانیتور محصول شروع به استفاده از تعیین سرعت بوسیله یک گیرنده DGPS نموده اند. اما موانعی برای این روش وجود دارد. در صورتیکه از آن برای تعیین سرعت استفاده شود، باید یک گیرنده فعال GPS وجود داشته باشد. در صورتیکه سیگنال های GPS در دسترس نباشند، فعالیت مانیتور محصول ممکن نمی شود. همچنین، تعیین سرعت با GPS تحت تأثیر همان خطاهای تعیین موقعیت است. هرچند جای نگرانی زیادی نیست چراکه سرعت بدست آمده از GPS همیشه صحیح تر از تعیین موقعیت است.



سنسورهای رطوبت دانه

محاسبه مقدار رطوبت دانه هم، رکن مهمی از مانیتورینگ محصول است. تولیدکنندگان از جنبه های برداشت، خشک کردن و نگهداری دانه، به علاوه هزینه خشک کردن یا بار اندازی در بالابر؛ نگران مقدار رطوبت هستند. سنجیدن این مقدار رطوبت در موقع برداشت باعث می شود تا اطلاعات محصول تصحیح شود تا وزن بازار پسند صحیحی از دانه را نتیجه دهد. سنجش رطوبت، در برداشت هم مفید است چراکه به اپراتور کمباین اجازه دهد تا تناسب یک زمین خاص را برای برداشت و شاید مقصد تحویل انبار، خشک کردن یا بالابر محلی مشخص کند.

مقدار رطوبت با اندازه گیری خواص دی الکتریکی دانه برداشت شده مشخص می شود. مقدار رطوبت در دانه، ظرفیت الکتریکی دانه (توانایی آن برای نگهداری یک شارژ الکتریکی) را تحت تأثیر قرار می دهد. که با محدود کردن حجم از پیش مشخصی از دانه مابین دو سطح فلز رسانا اندازه گیری می گردد. برای اغلب مانیتور های محصول، این امر با نصب یک سنسور رطوبتی هم در بالای هلیس بارگیری مخزن و هم در کنار بالابر دانه تمیز، انجام می گیرد که در شکل نمایش داده می شود.

امروزه؛ اغلب سنسورهای رطوبتی برکناره بالابر دانه تمیز سوار می شوند. این قرارگیری بهتر است از سوار کردن سنسور بر هلیس بارگیری مخزن، چراکه سنسورها با جریان کمتر دانه مواجه می شود. که تجمع خار و خاشاک را در صفحات سنسور کاهش می دهد. این تجمع در محاسبات رطوبت ایراد وارد می کند. سنسور رطوبتی لزوماً یک قشر رسانا یا صفحات فلزی با یک باله فلزی داخلی عایق شده است. همچنانکه دانه در بالابر دانه تمیز بالا می رود، مقدار کمی وارد قسمت فوقانی سنسور رطوبتی شده و بین صفحات فلزی حرکت می کند. یک چرخ کوچک پره دار در کف محفظه سنسور قرار گرفته است تا مطمئن شویم که همیشه دانه صفحات را می پوشاند. چرخ پره دار همچنین، سرعتی که دانه دو مرتبه وارد بالابر دانه تمیز می شود را کنترل می کند. کاربران باید سنسور رطوبتی را در فواصل زمانی معینی چک کنند و در مواقعی که کمباین در دانه های مرطوب یا دارای علف های هرز کار می کند، صفحات را تمیز کنند. این شرایط کاری می تواند منجر به تجمع خار و خاشاک یا بقایای گیاهی بر اجزای حسگر شود که در محاسبات رطوبت دانه، اختلال ایجاد می کند.

سنسورهای مزرعه ای

سنسورهای تجاری که سیگنالهای GPS را دریافت کرده و پردازش میکنند، برای اغلب کشاورزان در کشورهای پیشرفته مطلوب واقع شده اند. گیرنده های دستی GPS دقت نقطه ای مابین منفی ۱۰۰ تا مثبت ۱۰۰ را فراهم می کنند. GPS تفاضلی (DGPS) خطا را تا $\pm 2\text{ m}$ کاهش می دهد. یک GPS تعیین موقعیت نسبی، خطاها را تا سطحی کمتر از سانتی متر کاهش می دهد. این دقت را می توان برای ادوات متحرک با استفاده از یک GPS سیستماتیک بلادرنگ (RTK) بدست آورد (داکس^۱ و همکاران، ۱۹۹۹).

سنسورهای خاک

یک سنسور خاک مادون قرمز (NIR) قابلیت انعکاس طیفی خاک را در طول موج های رادیویی ۱۶۰۰ تا ۲۶۰۰ نانومتر اندازه گرفته یا مواد آلی خاک و مقادیر رطوبت خاکهای سطحی و زیر سطحی را برآورد کند. یک طیف نور سنج مستقیم و بی درنگ خاک، ضریب بازتابی طیفی خاک را در طول موج های مرئی و NIR با سرعت زمینی 3/6 km/h اندازه گیری می کند. آزمایشات مزرعه ای، روابط خطی بین بازتابش را در طول موج های معین و ویژگی های مختلف به اثبات رسانید که شامل مواد آلی و مقدار رطوبت خاک می شد.

سنسورهای ناهنجاری

برخی سنسورهای علف هرز در سطح تجاری در دسترس هستند. تایان^۲ و همکاران، (۱۹۹۹) سیستم سنجش و سم پاشی هوشمندی را با دقتی بالا، به منظور تعیین مناطق هجوم علف هرز ایجاد. فیارتز^۳ و همکاران (۱۹۹۸) با استفاده از یک طیف نگار تصویری، یک سنسور علف هرز را طراحی کردند. ونگ^۴ و همکاران (۲۰۰۱) سنسور نوری علف هرز را با توجه به بررسی ویژگی های طیفی علف های هرز، محصولات و خاک ساختند. یک مبدل دمایی مادون قرمز گیاه که توسط مایکلز^۵ و

1 - Dax

2 - Tian

3 - Feyaerts

4 - Wong

5 - Michles

همکارانش (۲۰۰۰) گسترش یافته بود به منظور اندازه گیری تغییرات دمایی گیاه که از هجوم شته^۱ گرین باگ^۱ ناشی می شد، استفاده می کرد.

برون^۲ و بنت^۳ (۱۹۹۹) یک سیستم تزریق مستقیم با نازل را برای بکار گیری علفکش ساختند. سویشر^۴ و همکارانش (۱۹۹۹) سنسوری نوری را طراحی کردند که نرخهای جریان کود دانه ای را در جریان هوایی برای کنترل بازدهی نرخ تغییر در یک سمپاش، اندازه می گرفت.

سنسور عملکرد محصول

در طی ده سال گذشته، پروژه های تحقیقاتی مانیتورینگ محصول متنوعی بر اساس تعدادی از روش شناسی های مختلف انجام گرفته است. در اغلب پروژه ها، سنسورهای محصول برای دانه های ریز بکار رفته اند. این نوع سنسورها امروزه بطور معمول استفاده می شوند. البته سنسورهای محصول برای دیگر محصولات هم تا حد کمتری عرضه شده اند. آثرن هامر^۵ و همکاران (۱۹۹۵) و میسوتن^۶ و همکاران (۱۹۹۷) سنسورهای محصولی را برای ماشین های برداشت علوفه عرضه نمودند. هریس^۷ و ککس^۸ (۱۹۹۷) امکان نقشه برداری محصول را در مزارع نیشکر مورد ارزیابی قرار دادند و آثرن هامر و همکارانش (۱۹۹۸) سنسورهای محصول را برای چغندر قند مورد تجدید نظر قرار دادند. عملکرد محصولات دانه ای با استفاده از چهار نوع سنسور برآورد می شوند: سنسور ضربه ای یا جریان جرمی، سنسورهای وزنی، سنسورهای نوری محصول و سنسورهای اشعه گاما (۷). اغلب شرکت های تولید کننده ماشین آلات کشاورزی برای کمباین های خود از سیستم های نوری نقشه کشی محصول استفاده می کنند. روش های سنجش محصول برای اغلب محصولات در حال پیشرفت هستند. برای محصولات علوفه ای، مانیتورهای محصول از یک سنسور تغییر مکانی، یک لود سل، یک اسپلاتور با ظرفیت خازنی کنترل شده، و یک سنسور نوری که مورد مطالعه قرار گرفته است، استفاده می کنند. یک سنسور نوری، تابش طیفی را در طول موجهای قرمز تا NIR اندازه گیری می

1 - Greenbug
2 - Brown
3 - Bennett
4 - Swisher
5 - Auernhammer
6 - Missotten
7 - Harris
8 - Cox

کند که از آن برای تخمین عملکرد محصول در طی فصول زراعی و هدایت VRT برای کود نیتروژن استفاده می شود (سولی^۱ و همکاران، ۲۰۰۰).

تعدادی سنسور محصول برای سیب زمینی ها تست شد و بطور مکتوب گزارش گردید. کمبل^۲ و همکاران (۱۹۹۴) از لود سل هایی در باربندها استفاده کردند همچنین شنیدر^۳ و همکاران (۱۹۹۷)، کمبل و همکاران (۱۹۹۹)، دتان و همکاران^۴ (۱۹۹۹) و داوینپورت^۵ و همکاران (۲۰۰۲) هم، از یک سیستم استفاده کردند. ایلرت^۶ (۲۰۰۰) تکانه های ناشی از سیب زمینی هایی که بر روی یک لود سل می افتادند را محاسبه نمود. بگنز^۷ (۱۹۹۱) از دو منبع رادیویی (Am_241 و Cs_137) و دو سنسور استفاده نمود و بنابراین محاسبه وزن سیب زمینی ها و مقدار سنگ ها خاک و نخاله ها را ممکن ساخت در نهایت ویلر^۸ و همکارانش (۱۹۹۷) یک سیستم نقشه کشی محصول بر مبنای پشت بند را که می توان برای نقشه کشی عملکرد محصول سیب زمینی، چغندر و محصولات علوفه ای از آن استفاده نمود را عرضه کردند.

سنسورهای محصول

تای^۹ و همکاران (۱۹۹۹) از یک سیستم مصور طیفی مزرعه ای با یک فیلتر کریستال مایع قابل تنظیم، در مزارع پنبه و بادام زمینی استفاده کردند. یک رادیومتر پویش نزدیک به زمین سوار بر تراکتور، از شاخصهای گیاهی نقشه برداری می کرد (استافرد و بلم^{۱۰}، ۱۹۹۸). سادوث^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۰) یک سنسور الکترومکانیکی را بمنظور شمارش گیاهان ذرت طراحی کردند. ارتفاع گیاه پنبه با استفاده از انگشتی های مکانیکی و اشعه مادون قرمز محاسبه شد (سرکی و بک^{۱۲}، ۲۰۰۰). سنسورهای تعیین مقدار پروتئین و روغن دانه در حال گسترش هستند. یک سنسور جریان جرمی و استحکام پنبه با

-
- 1 - Solie
 - 2 - Cambell
 - 3 - Schneider
 - 4 - Dettaan
 - 5 - Davenport
 - 6 - Ehlert
 - 7 - Baganz
 - 8 - Wheeler
 - 9 - Thai
 - 10 - Stafford and Bolam
 - 11 - Sudduuth
 - 12 - Searcy and Beck

استفاده از یک لامپ هالوژن و یک لامپ NIR ساخته شد (کسکین^۱، و همکاران، ۱۹۹۹). از یک دماسنج مادون قرمز برای اندازه گیری دمای سایه بمنظور کنترل عملیات آبیاری استفاده شد (ایونس^۲ و همکاران، ۲۰۰۰). یک سنسور مایکروویو و یک سنسور NIR بمنظور محاسبه مقدار رطوبت علوفه سیلویی مورد آزمایش قرار گرفت (مارکت^۳ و همکاران، ۱۹۹۹). یک طیف نورسنج مستقیم و بلا درنگ که توسط آنوم^۴ و همکاران (۲۰۰۰) ساخته شده بود؛ برای تهیه نقشه آب، عناصر غذایی، بیماریها و تنش های شوری گیاه استفاده شد.

دقت

مهمترین معیار یک سنسور مناسب مانیتور محصول، توانایی آن در برآورد دقیق جریان لحظ های محصول در ماشین برداشت است که از راه درک مستقیم این مقدار را ایجاد می کند. لازم است که سنسور کاملاً دقیق باشد تا بتوان تا حد زیادی به داده های که سنسور بدست می آورد اطمینان نمود. هر سنسوری باید قادر به برآورد عملکرد محصول با دقت $\pm 5\%$ عملکرد واقعی محصول در کل مزرعه باشد. بدین معنا که اگر تمامی مقادیر عملکرد محصول را بطور تک تک جمع کنید، مجموع این مقادیر باید نتیجه ای با 5% اختلاف از مقدار واقعی کل عملکرد محصول بسازد. البته، این دلالت بر آن دارد که زمانیکه خطا بیش از 5% باشد، می توان قرائت های یک به یکی انجام داد.

"دقت GPS با دقت کمینه نقطه (PDOP^۵) بیان می شود که در اصل مقدار خطا را نشان می دهد؛ بطوریکه، مقدار زیاد آن نشان دهنده دقت کم و مقدار کم آن نشان دهنده دقت بالاست. PDOP کمتر از ۴ نشان دهنده خطای کمتر از یک متر است و دقیق بحساب می آید. اما PDOP بین ۴ تا ۸ نشان دهنده برآورد نسبتاً دقیق بوده و PDOP بیش از ۸ نشان دهنده دقت کم است."^۶

1 - Keskin

2 - Evans

3 - Marcotte

4 - Anom

5 - Point Dilluation Of Precision / Position Dilluation Of Precision / Percent Dilution of Position

6 - Center for Global and Regional Environmental Research, University of Iowa

کامپیوتر عملیات

یک کامپیوتر عملیاتی در کابین کمباین چندین وظیفه را انجام می دهد. سنسورها را تلفیق و کالیبره می کند. سیگنال های خروجی آن ها را به داده هایی برای ذخیره تبدیل کرده، نمایش می دهد و آخرین استفاده اینکه: دارای یک رابط گیرنده DGPS، تجهیزات نگهداری اطلاعات خروجی و رابط کاربر (صفحه نمایش و صفحه کلید) است و روابط متقابل این تجهیزات را کنترل می کند. با گرفتن یک برنامه جدید یا تغییر تراشه برنامه در مانیتور محصول، مانیتور محصول را تغییر داده یا ارتقاء می بخشد.

تکنولوژی نرخ متغیر^۱ (VRT)

تکنولوژی نرخ متغیر (VRT) و بکار گیری نرخ متغیر (VRA)، دلالت دارد بر توسعه و بسط سمپاش های نرخ متغیر اتوماتیکی که ابزاری بسیار مهم در کشاورزی دقیق می باشند؛ در مکان هایی که تیمارهای "سایت_ویژه" جایگزین عملیات کاربرد مواد شیمیایی با میزان ثابت در کل مزرعه گردیده اند. سمپاش هایی که قادر به توزیع مقادیر متفاوت مواد شیمیایی باشند، ضروری و اساسی هستند. اینگونه ماشین ها برای تحویل مقادیر صحیحی از مواد شیمیایی، بسته به شرایط مزرعه، قابل برنامه ریزی هستند. که این برنامه ریزی بوسیله نهادن اطلاعات مانیتورینگ محصول، شرایط محصول و تجزیه و تحلیل آن ها انجام می گردد. این جز از کشاورزی دقیق با کاربرد اتوماتیک حداقل مقادیر مواد شیمیایی، عهده دار پائین آوردن هزینه های داشت و کاهش آسیب رسانی به محیط زیست می باشد.

با فرض اینکه یک توزیع یکنواخت از یک سطح کود به سطحی دیگر، بهینه تلقی می شود؛ از این محاسبات بر روی توزیع نظری نرخهای متغیر کود نتیجه می شود که الگوی مثلی پاشش، مناسبترین آنها برای پاشش متغیر است. الگوی پاشش مثلی را باید در تمامی سطوح کود پیاده کرد. با توجه به آزمایشات انجام گرفته، واضح است که هیچکدام از کودپاشهای مورد آزمایش قادر به ایجاد الگوهای کاملاً مستقل از نرخ جریان نیستند. بعلاوه، این می تواند ناشی از آن باشد که حساسیت

ترکیب دو کودپاش، در صورت انجام پاشش نرخ متغیر کود مورد استفاده، متفاوت خواهد بود. برای برخی از ترکیبات کودپاش و کود، مقدار اختلافات محاسبه شده تقریباً یکی است حتی اگر نرخ جریان تغییر کند.

در سال ۱۹۹۹ تقریباً ۴۰٪ از وسعت زیر کشت چغندر قند در مینسوتا و شمال داکوتا از تکنولوژی نرخ متغیر (VRT) برای نیتروژن بهره مند شدند.

در سال ۱۹۹۸ تقریباً ۶٪ از تولیدکنندگان غلات و دانه های روغنی ایالات متحده از برخی از تکنولوژی های نرخ متغیر کود استفاده نمودند.

در سال ۱۹۹۸ کمتر از ۲٪ تولیدکنندگان غلات و دانه ای روغنی ایالات متحده از تکنولوژی نرخ متغیر سم و بذر استفاده نمودند.

کاربرد نرخ متغیر در سطح جهانی مورد آزمایش قرار گرفت ولی استفاده از آن در خارج از ایالات متحده و کانادا کمتر اقتصادی بود.

در آرژانتین و استرالیا هزینه بالای تست خاک بر VRT تحمیل شد.

در اروپای غربی بکار گیری نرخ متغیر^۱ (VRA)، تحت نگرانی ها و مقررات زیست محیطی پیش می رود.

تجهیزات ذخیره سازی اطلاعات

اطلاعات از مانیتور محصول به یک کامپیوتر رومیزی یا لپ تاپ وارد می شود یا با استفاده از یک کارت حافظه استاندارد مجمع صنایع کارت حافظه کامپیوتر شخصی^۲ (PCMCIA) انتقال می یابد. صنعت به سمت اتخاذ اصطلاح "کارت PC" یا "رابط کارت PC" برای تجهیزات نوع PCMCIA پیش رفته است. این کارت ها را می توان به دو دسته تقسیم نمود: حافظه دستیابی تصادفی ایستا (SRAM) و حافظه دستیابی تصادفی پویا (DRAM). کارت های DRAM نیازمند تجدید همیشگی مکان های حافظه شارژ شده می باشد تا تمامی اطلاعات را ذخیره کنند. متأسفانه، تجدید همیشگی مکان های حافظه فرار نیازمند منبع الکتریکی است که این نوع از کارت ها را برای انتقال

1 - Variation Rate Application

2 - Personal Computer Memory Card Industry Association (PCMCIA)

اطلاعات نامناسب می گرداند. کارت های SRAM از یک عمر طولانی چرخه خواندن و نوشتن بهره می گیرند که آنها را گزینه بهتری برای کاربردهای کشاورزی دقیق می سازد حافظه کارت های SRAM هم، مانند کارت های DRAM فرار هستند. بنابراین یک باتری بمنظور حفاظت از اطلاعات ذخیره شده بر روی کارت در زمانی که از یک سیستم متصل به منبع جدا می شود، لازم است. اغلب کاربران کارت PC می باید در فواصل زمانی معین، مقدار باتری را چک کنند تا از دست رفتن اطلاعات جلوگیری کنند. با اینکه، اغلب مانیتورهای محصول، پس از فرمت کردن یک کارت PC، مقدار ولتاژ باتری را چک می کنند؛ اما سازنده، معمولاً دوره های جایگزینی دو ساله را پیشنهاد می کند.

انتخاب نوع صحیح کارت PC، چنانکه باتوجه به ضخامت آن تعیین می شود، به اندازه انتخاب طبقه صحیح کارت مهم است. استانداردهای کارت PC برای انواع I، II، III و IV منظور می شوند. همه انواع کارت ها، 2,13 اینچ پهنا و 3,37 اینچ طول دارند اما ضخامت آن ها: 0,15 اینچ برای نوع I، 0,20 اینچ برای نوع II یا 0,41 اینچ برای نوع III می باشد. فواصل بین های بست و محافظ همگی به یک اندازه است. البته، فاصله بین کارت های مجاور، تعیین کننده اینست که چه نوع کارتی را می توان برای یک دستگاه پذیرفت. شکل 5-6 تفاوت در انواع و ساختار کارت ها را نشان می دهد. زمان های دستیابی به حافظه برای کارت های SRAM از 80 تا 250 نانو ثانیه یا 0,00008 تا 0,00025 ثانیه متفاوت است.

وسیله انتقال اطلاعات مورد استفاده در اغلب مانیتورهای محصول یک کارت PC نوع II، SRAM، ایستا با پشتیبانی باتری با یک ظرفیت ذخیره 1 تا 2 مگابایت می باشد که لازمست قبل از خرید، توسط سازندگان مانیتور محصول چک شود. چراکه ممکن است تجهیزات آن ها به یک نوع و سرعت مشخص محدود باشد.

اغلب اطلاعات جمع آوری شده در طی فعالیت سر زمین کمباین مستقیماً بر روی کارت PC ذخیره می شود. بنابراین، باید یک کارت با فضای ذخیره سازی کافی در جعبه های مانیتور محصول یا پردازنده نقشه موجود باشد تا در هر زمان اطلاعات محصول را ثبت کنند. بیش از 30 ساعت از اطلاعات محصول را می توان در مدت یک ثانیه بر روی یک کارت 2 مگابایتی ثبت نمود. اغلب

تولیدکنندگان دانه اعتقاد دارند که داشتن دو کارت مهم است که بنابراین می توان آنها را بطور روزانه تعویض نمود.

رابط گیرنده DGPS

بمنظور ایجاد نقشه های محصول، باید با استفاده از یک گیرنده DGPS، اطلاعات محصول را بطور جغرافیایی (بشکل موقعیت طول و عرض جغرافیایی) ارجاع نمود. بنابر منافع امنیت ملی، خطاهایی عمدی در اطلاعات سیگنال GPS شخصی (C/A)، وارد می شود که موقعیت های مختصاتی GPS بسیار نادرستی را ارائه می دهد. لذا، جهت کاهش خطای سرویس های تعیین موقعیت GPS مورد استفاده، اشخاص باید اطلاعات تصحیحی متفاوتی را از یک منبع ثابت ثانویه بدست آورند. دسترسی و دقت سیگنال های تصحیحی ممکن است نوع سرویس تصحیحی که بسیاری از تولیدکنندگان می توانند استفاده کنند را محدود کند. گارد ساحلی ایالات متحده یکی از منابع اطلاعات تصحیحی رایگان می باشد. سیگنال های آنتن فرستنده رادیویی، بعنوان سیگنال تصحیحی "محلی" قلمداد می شوند. خطاهای وابسته به این سرویس های تصحیحی، متناسب با فاصله از ایستگاه پایه و فرستنده سیگنال است. تولیدکنندگان همچنین می توانند مشترک یکی از چند ارائه دهنده سرویس تصحیحی بخش خصوصی که از ماهواره های مخابراتی ثابت، جهت مخابره سیگنال تصحیحی خود استفاده می کنند، شوند. این سرویس های تصحیحی، "سطح وسیع" قلمداد می شوند. بواسطه اینکه آنها در بخش قابل توجهی از قاره امریکای شمالی در دسترس هستند. حق اشتراک اتصال به این سرویس ها تا ۸۰۰ دلار در سال تعیین می شود. سیگنال های تصحیحی سطح وسیع از طریق باند C (3,75 تا 4,5 گیگاهرتز) یا باند L (1,6 گیگاهرتز) فرستاده می شوند. یک نمایش نموداری از DGPS سطح وسیع در شکل 2 نشان داده شده است. زمانیکه شما یک بسته تلفیقی را خریداری می کنید که شامل یک مانیتور محصول، یک گیرنده DGPS، نرم افزار و یک رایانه شخصی است. فروشنده باید تضمین نماید که تمامی اجزا با یکدیگر سازگار هستند. اگرچه شما ترجیح می دهید اطلاعات را بوسیله اجزا به اجزای مانیتورینگ محصول منتقل کنید تا اینکه یک سیستم کامل را خریداری کنید، اما نیازمند این خواهید بود که چگونگی انتخاب و تلفیق یک گیرنده DGPS به سیستم خود را بدانید. نهایت توجه را در هنگام تعویض اجزای بین سیستم ها بکار گیرید

و تمامی د فترچه های راهنما را مطالعه نموده و مطمئن شوید که تذکرات اجزای متصل را درک نموده اید.

کالیبره کردن یک پایشگر محصول

منحنی های کالیبراسیون برای پایشگرهای محصول الزامی هستند چرا که یک مقدار اندازه گیری شده توسط سنسور را به نرخ جریان متناظر محصول ربط می دهد. برای مانیتورهای محصول دانه ای این کار به سادگی با برداشت چند محصول انجام گرفته و سپس وزن مورد انتظار از مانیتور با وزن واقعی مقایسه می شود. البته، در صورت بکارگیری این روش در مانیتورهای محصول برای یونجه، مشکلاتی ایجاد می شود زیرا یونجه پیش از بسته بندی بصورت بسته، مدتی بر روی زمین می ماند تا خشک شود. در طی این زمان، وزن محصول تغییر می کند که از تلفات رطوبتی گیاهان و همچنین دیگر عوامل خارجی از قبیل تلفات مکانیکی و بیوژیکی ناشی می شود.

سازندگان مانیتور محصول هر تلاشی را جهت ایجاد دقت در سیستم هایشان می کنند. هرچند، هر کمباین و هر نصبی ممکن است دارای خطاهای مختلفی باشد. منابع خطاها در اطلاعات بدست آمده توسط مانیتور محصول شامل تأخیرهای انتقال مواد در کمباین، تعیین پهنای مؤثر برش، مقدار رطوبت و جریان جرمی می شود. چهار موردی که باید در موقع کالیبره کردن یک مانیتور محصول جدید مورد توجه قرار گیرد از این قرار هستند:

- مسافت
- ارتفاع خوشه چین
- نرخ جریان جرمی دانه و
- مقدار رطوبت دانه

مسافت

استفاده از سنسور سرعت چرخ در سیستم انتقال قدرت، جهت تعیین سرعت زمینی نیازمند کالیبره کردن است تا مسافت واقعی را به عدد مشخصی از پالس های حاصل از سنسور، مربوط نماید. سنسور

با کار کردن کمباین در یک فاصله مشخص (مثلاً 400 فوت یا طولی که توسط سازنده مشخص شده است) در سرعت مشخصه برداشت، در شرایط زمین کالیبره می شود. سپس مانیتور محصول یک مقیاس گذاری جهت تصحیح سرعت ثبت شده، ایجاد می کند. در موقع کالیبره کردن سنسور سرعت، باید شرایط واقعی کار کمباین در برداشت را تا حد ممکن بدقت تطبیق دهید. مثل بکارگیری کمباین پر، در زمین نرم یا کناره تپه که از شرایط معمول زمین در موقع برداشت است، رادار سرعت زمینی هم می باید به همین ترتیب کالیبره شود. البته مانیتورهای محصولی که متکی به استفاده از GPS برای تعیین سرعت زمینی هستند نیازی به کالیبره شدن برای سرعت ندارند.

ارتفاع خوشه چین

تعیین ارتفاع خوشه چین مهم است چراکه آغاز و پایان ثبت اطلاعات و تراکم سطحی را بدست می دهد. اساساً سه روش مختلف برای سنجش ارتفاع خوشه چین وجود دارد. اولین روش، یک سنسور مغناطیسی است که در موقع رسیدن خوشه چین به یک موقعیت از پیش تعیین شده، اتصال را برقرار می کند. روش دوم استفاده از یک پتانسیومتر دورانی برای سنجیدن زاویه یا ارتفاع خوشه چین می باشد. با انتخاب گزینه توسط اپراتور کمباین، موقعیت های آغاز و پایان که توسط پتانسیومتر تعیین می شود را می توان با توجه به صفحه کنترل^۱ که در کابین کمباین قرار دارد. تنظیم نمود. سومین روش شامل تعقیب طول زمانی است که سوییچ کنترل ارتفاع خوشه چین در موقعیت های بالا یا پایین قرار دارد. همین که زمان بکار انداختن از یک مقدار از پیش تعیین شده، تجاوز نماید (مثلاً 1,5 ثانیه)، تراکم سطحی و ثبت اطلاعات با توجه به اینکه آیا خوشه چین پایین رفته یا بالا آمده، روشن یا خاموش می شود.

صرف نظر از روش شناسی استفاده شده جهت وارد نمودن یا تخریب ثبت اطلاعات و تراکم سطحی، بر مطالعه دفترچه راهنمای اپراتور و فهم کامل کارکرد این ویژگی توسط کاربران کمباین تأکید می شود چراکه کیفیت و درستی اطلاعات محصول بستگی زیادی به استفاده آن دارد.

نرخ جریان جرمی دانه

جهت کالیبره نمودن سنسور جریان جرمی، تولیدکنندگان باید اطلاعات مربوط به وزن دانه برداشت شده در طی یک فاصله زمانی معین را جمع آوری نموده و سپس وزن حقیقی دانه های برداشت شده را وارد مانیتور محصول نمایند. این فاصله زمانی ممکن است تشکیل شده باشد از یک یا چند بار مخزن کمباین. مانیتور محصول از این اطلاعات جهت تطبیق نمودن منحنی درجه بندی یا یک سری از عوامل با سنسور ضربه ای خاص، نوع دانه و حالت هندسی^۱ سنسور کمباین، براساس روش مشخصی استفاده می کند. در صورت هرگونه تغییر در این عوامل، سیستم باید مجدداً کالیبره شود. تغییرات در ویژگی های دانه از قبیل وزن آزمایشی و مقدار رطوبت، ممکن است نیازمند کالیبره کردن مداوم تری باشد.

هرچند، این روش از سازنده ای به سازنده دیگر شبیه است. لیکن مقدار و ماهیت روش داخلی کالیبره نمودن تغییر می کند. با اینکه کارخانه یا اعداد خطای کالیبراسیون نقطه آغاز معقولی را فراهم می نمایند، اما جانشین کالیبراسیون درون مزرعه ای نمی شوند. حداقل، یک بار دانه باید وزن شود. یک سازنده پیشنهاد می کند چند بار دانه مخزن کمباین بطور تک تک وزن شوند. در صورتیکه یک واگن وزن کشی با خروجی دیجیتالی برای تعیین وزن بار فراهم می شود، این فرایند بسیار ساده می شود.

مقدار رطوبت دانه

کالیبره نمودن سنسور رطوبتی محدود می شود به تهیه یک رقم متعادل کننده، جهت تصحیح مقدار رطوبت دانه، رقم متعادل کننده، عدد ثابتی است که می تواند هم مثبت و هم منفی باشد. یافتن یک روش مناسب برای تعیین مقدار واقعی رطوبت مشکل است بطوریکه می توان رقم متعادل کننده ای را وارد مانیتور محصول نمود که بیشتر باتوجه به تغییر موجود در تردد کمباین در مزرعه بدست می آید. از این مهمتر، اینکه باید یک نمونه دانه از سنسور رطوبتی یا هلیس مخزن بار جمع آوری شده، آنالیز گردد و سپس با سنسور رطوبتی ای که به محض عبور دانه از روی سنسور تا رسیدن به یک

رقم متعادل کننده قرائت صحیحی می کند، مقایسه گردد. بطور خلاصه، بعلت تنوع مقدار رطوبت دانه در برداشت و تأخیر حمل در جداکننده کمباین، این عملیات ساده نیست. در موقع تنظیم رقم های متعادل کننده رطوبت، بر احتیاط کاربران تأکید می شود. مخصوصاً موقعی که دقت ابزار محاسبه رطوبتی که جهت تعیین مرجع مقدار رطوبت دانه استفاده خواهد شد، مورد توجه قرار می گیرد. رقم های متعادل کننده، باتوجه به نوع دانه متفاوت هستند و هر نوع دانه ای نیازمند کالیبره شدن جهت تعیین رقم متعادل کننده مناسب است.

نقشه محصول

نقشه کشی محصول موضوع پیچیده ای است. بسته های نرم افزاری متفاوتی که برای این امر اختصاص یافته اند، از لحاظ کارآمدی دچار محدودیت هستند. توصیه می شود که نقشه های محصول با دقت تفسیر شوند. در مقایسه بین بسته های نرم افزاری مورد آزمایش، شمای کلی را در همه نقشه ها می توان ترسیم کرد. اما هر نقشه دارای ویژگی هایی است که در نقشه های دیگر موجود نیست که عمدتاً به روش های مختلف درون یابی^۱ بستگی دارد. عامل کلیدی دیگر اینست که شبکه های درون یابی در بعضی موارد بسیار کوچک هستند. شاید اگر در تلاش برای تولید نقشه های بسیار دقیق، در صورتیکه از یک شبکه درشت تر استفاده می شد، اثر اطلاعات کراندار ثبت شده، کاهش یافته و برآوردهای غیر واقعی کاهش می یافت. تغییرات جزئی در مجموعه نرم افزارهای نقشه کشی باعث تفاوت های قابل توجهی در محصول نقشه کشی شده می شود. به همین ترتیب، در صورتیکه راننده از طریقه عملکرد سیستم نقشه کشی محصول آگاه نباشد، ثبت های غلط عملکرد محصول هم رخ می دهد. بهترین راه حل، توصیه به کاربران برای تلاش بمنظور فهم چگونگی کارهای دستی با نرم افزار و از همه مهمتر، چگونگی کاهش مشکلات به حداقل، در مزرعه می باشد. از نقطه نظر کلی به کشاورز توصیه می شود که از یک نوع مانیتور و محصول و برنامه نقشه کشی محصول استفاده کند یا از برنامه نقشه کشی ای استفاده کند که سازنده مانیتور محصول آن را پیشنهاد می کند. البته می توان اطلاعات نقشه کشی محصول را به نرم افزار قویتری مانند یک سیستم اطلاعات جغرافیایی روزمره وارد نمود. البته به همان اندازه تقاضای بیشتری از کاربر هم مطالبه می کند.

^۱ Interpolation-

ساخت نقشه های محصول

کشاورزی سایت ویژه بر روی بهبود مدیریت تمرکز دارد تا سود آوری را افزایش دهد. برای رسیدن به این امر، اطلاعات زیادی لازم است. نقشه های محصول بعنوان شاخص های پتانسیل زراعی مکانی و زمانی و روش های مدیریتی تولید کننده عمل می کنند. مانیتورینگ محصول برای ایجاد نقشه دقیق محصول لازم است. اطلاعات موقعیت یابی شده عملکرد محصول، اغلب در یک سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) پردازش می شوند تا نقشه ها و اطلاعاتی که برای تجزیه و تحلیل بیشتر استفاده می شوند را بسازند. تجزیه و تحلیل اطلاعات محصول، اطلاعاتی را در مورد چگونگی بهینه سازی مدیریت فراهم می آورد. راولینز^۱ و همکارانش (۱۹۹۵) گزارش دادند که نقشه های پیوسته محصول می توانند به تعیین اقدامات مدیریتی و نهاده ها برای هر متر مربع از زمین کمک کنند.

ساخت نقشه هایی برای محصول و ویژگی های آن، اولین و مهمترین قدم در کشاورزی دقیق است. این نقشه ها تغییرات سه بعدی را محاسبه می کنند و معیاری برای کنترل تغییرات سه بعدی را فراهم می نمایند. جمع آوری اطلاعات، هم قبل از تولید و هم در حین تولید انجام می گیرد و با جمع آوری موقعیت دقیق با استفاده از GPS بهبود می یابد. تکنولوژی های جمع آوری اطلاعات شامل نمونه گیری شبکه ای از خاک، مانیتورینگ محصول سنجش از راه دور (RS) و دیده بانی محصول می باشد. در حین تولید محصول، اطلاعات از طریق حسگرها جمع آوری می شوند که کاوش کردن خاک، وضعیت هدایت الکتریکی و وضعیت عناصر غذایی خاک از آن جمله اند. از اسکنرهای نوری بمنظور تشخیص مقدار ماده آلی خاک و علف های هرز، استفاده می شود. سپس، اطلاعات بدست آمده محصول توسط نقشه کشی، برای اقدامات بعدی بر روی یک سیستم کامپیوتری ثبت و نگهداری می شود و از نقشه بدست آمده برای کسب اطلاعات و تصمیم گیری های اساسی، بمنظور کنترل تغییرات استفاده می شود. نقشه کشی را می توان بوسیله RS، GIS و یا بطور دستی در حین عملیات زراعی، انجام داد.

نظر به تلاش جهت کاهش یا برطرف نمودن خطاها در اطلاعات مانیتور محصول، در موقع ورود به مرحله بعد باید چند عامل را مد نظر قرار داد که ساخت نقشه های محصول از آن جمله است. یافتن رابطه دقیق بین جریان جرمی و موقعیت زمین لازم است. متأسفانه تحرکات ناشی از جریان مواد در خوشه چین و کمباین، تأخیری را بین زمان جمع آوری محصول و رسیدن دانه به سنسور جریان جرمی ایجاد می کند. یک تأخیر معمول بین موقعی که خوشه چین محصولی را وارد می کند تا زمانیکه دانه به بالای بالابر دانه تمیز می رسد، 12 ثانیه می باشد. بطور مشابه، موقعیکه کمباین به انتهای یک مسیر می رسد، جریان دانه در سنسور جریان جرمی برای 8 ثانیه دیگر ادامه می یابد. درحالیکه این تأخیرهای حمل، تعیین جرم دانه را تحت تأثیر قرار نمی دهد. زمانیکه جهت انطباق محصولات با موقعیت های زمین که با استفاده از DGPS تعیین شده است، تلاش شود؛ با مشکل مواجه می شویم. بمنظور بهره گیری از انطباق، تأخیرات حمل ماده ای موجود در تمامی مانیتورهای محصول را می توان با استفاده از نرم افزار پس پردازی تصحیح نمود. بطوریکه کاربر مقادیر "آغاز تأخیر حرکت" و "پایان تأخیر حرکت" را در چند ثانیه تعیین می کند. سپس نرخ جریان های جرمی به طور صحیحی به عقب کشیده می شوند تا مطابق با موقعیتی باشند که در آن خوشه چین دانه ها را وارد کند.

اشتباهات برنامه های نقشه کشی عملکرد محصول

در نقشه کشی عملکرد محصول ممکن است خطاهای زیادی بر روی داده های خام انجام گیرد. برنامه های مختلف نقشه کشی عملکرد محصول به طرق مختلف به افزایش این خطاها کمک می کنند. لذا نقشه های بدست آمده با توجه به برنامه مورد استفاده متفاوت خواهند بود. گفتن اینکه یک نرم افزار یا روش از بقیه کارآمدتر است، غیر ممکن است. یک نقشه عملکرد محصول یک عکس حقیقی نیست. هر نقشه ای فقط کلیتی است از واقعیتی که اغلب در یک زمان مشخص وجود دارد.